

In the Name of Allah

GRAMMAR AND WRITING OF VISION (1)

نگات گرامری و نوشتاری زبان انگلیسی پایه ی دهم

In the Name of Allah

کرامر و رایتینک درس اول دهم:

be = am,is,are :Be going to

کاربرد اصلی این ساختار :

1- قصد ، تصمیم و اراده به انجام کاری در زمان آینده نزدیک همراه با برنامه ریزی قبلی

1- I bought some paint yesterday. I <u>am going to paint</u> my bedroom tomorrow.

ديروز مقداري رنگ فريده. قصد داره اتاق فوابه را فردا رنگ بزنه.

- 2- My father has saved a lot of money. We <u>are going to buy</u> a new car soon. يدره يول زيادي يس انداز كرده است. قصد داريم ماشين مديدي بفريم.
- 3- A:Do you want to go out? B: No, I am going to stay home and watch the football match.

میفای بری بیرون؟ نه قصد داره بمونه فونه و مسابقه فوتبال را تماشا کنه.

2_ پیش بینی انمام کار یا عملی در زمان آینده بر اساس نشانه ها و شواهد مومود (عینی/ ملموس) (نه براساس نظر شفصی) .

4- Look at those dark clouds. It's going to rain.

به اون ابرهای سیاه نگاه کن(شواهد). میماد بارون بیاد.

Part B: will

کاربردها:

1- اطلاع رسانی در مورد یک واقعیت : کار یا عملی که که متما در زمان آینده ا تفاق فواهد افتاد:

1 - Today is Monday. Tomorrow will be Tuesday.

امروز دوشنبه است. فردا سه شنبه خواهد بود. (بیان مقیقت)

2- My daughter will be 12 years old next month.

دفتره ماه آینده 12 ساله فواهد بود.

- 2- برای بیان تصمیم های آنی و لمظه ای (نه با برنامه ریزی قبلی):
- 3- A: "I'm cold." B: "I'll close the window."

نفر اول: سردمه. نفر دوم: پنجره را غوام بست. (تصمیم آنی)

3 ـ درغواست کردن ازکسی برای انجام کاری به شکل سوالی :

4- Will you open the door, please?

میشه لطفا در را باز کنید؟

4- پیش بینی انجام کار یا عملی در زمان آینده (بر اساس نظرات و تجربه شفصی گوینده) (و نه بر اساس شواهد موجود) 5- You won't pass the exam.

تو در امتمان قبول نفواهی شد.(نظر من گوینده است.)

5- برای بیان امیدواری ، اطمینان ، انتظار و افکار مدس و گمان و شک و تردید که به زمان آینده مربوط باشد و یا بیان امتمال به انمام کاری در آینده. اگر این افعال :

hope, think, expext, suppose, believe, be sure, ...

و این کلمات

perhaps, possibly, probably, certainly, ...

در جمله وجود داشته باشند.

- 6- I think it will rain tomorrow.
- 7-I expect they'll be here soon.
- 8- The exam will probably take about 2 hours.
- 9- A: Are you going to the park on Friday? B: I'm not sure. I will phone you on Thursday.
 - نکته اضافی (زبان تفصصی) : با قید های امتمال و فعل های مذکور ، اگر شواهد عینی و ملموس وجود داشته باشد از be going to
- 10- I have eaten too much, and I feel very bad. I think I'm going to be sick.
 من فیلی غذا فورده ای و فیلی مس بدی داری. فکر کنی میفای مریض شی.
 - 6- برای قول ، پیشنهاد و تهدید به انمام کاری در آینده از will استفاده می کنیم.
- 11- I will do it for you, I promise. (انجامش غواهم داد واست، قول ميده.)
- 12- The bag looks too heavy. I'll help you with it.

(کیف فیلی سنگین به نظر میاد. حمکت می کنم عملش کنی (پیشنهاد)))

13- I will kill you. ((تهدید ، میکشمت (تو را غواهم کشت)

نکته: بعد از کلمات (when /before/ after/as soon as) زمان مال ساده به مای زمان آینده بکار می رود.

- 14-Before we <u>leave</u> tomorrow, we will turn off the lights.
- 15- When I get home tonight, I'm going to watch TV and rest.

رایتینگ درس یک زبان پایه دهم

اسم های (عام و خاص) :

اسم فاص : (<u>proper nouns</u>): اسم فاص ، بر یک شفص یا یک شی دلالت می کند و به یک گروه اطلاق نمی شود. اسم فاص، معمولاً نام یک شفص، مکان و یا یک مِیز فاص می باشد .

نكته 1 : مرف اول همه اسم هاى فاص با مروف بزرگ نوشته مى شود.

my, your, his, her, its, our,) و صفات ملکی (a / an, the) و صفات مروف تعریف (their) و صفات اشاره (ممع = this, that / these, those = مفرد) و وابسته های پیشین دیگر مثل (their) و صفات اشاره (ممع = a lot of / a little / a few / most / some) و اعداد بکار نمی رود (مگر در موارد فاص ، که درمیطه کتاب درسی نمی باشد.)

Tom, Mary, Tehran, France, Mars, April, Monday, Milad Tower

اسم عام: (common nouns)؛ اسمى است كه به همه ى افراد يا اشيا يك كروه دلالت مى كند.
boy, woman, car, school, student, chair, desk

izi 1؛ قبل از اسم های عام با مروف تعریف (<u>a / an , the)</u> و صفات ملکی (,ithis , her , its) و صفات الله (most) و صفات الله (this , that , these , those) و صفات الله (our , their) و وابسته های پیشین دیگر مثل (a lot of / a little / a few / some

نکته 2: اسم های (عام) غیر قابل شمارش، ممع بسته نمی شوند و شکل مفرد آنها با (a / an) بکار نمی رود. money/ bread / water/ tea / sugar/ milk / meat

نکته 3 : اسم های (عام) قابل شمارش، ممع بسته می شوند و شکل مفرد آنها با (a/an) بکار میرود. a computer- computers / an apple - apples

*** روش های جمع بستن اسم های قابل شمارش:

1- برای ممع بستن اکثر اسم ما ، به آنها s اضافه می کنیم.

cup- cups / tree - trees / garden - gardens

2- برای مِمع بستن کلماتی که به مروف (s /z/x/sh/ch) فتم می شوند ، به آنها (es) اضافه می کنیم. bus -bus<u>es</u> , quiz- quiz<u>zes</u> , box- box<u>es</u> , dish- dish<u>es</u> , watch - watch<u>es</u> , fish - fish<u>es</u> (or fish)

3- کلماتی که به مروف ($\frac{felg}{f}$) فتم می شوند ، موقع جمع بستن به ($\frac{ves}{f}$ تبدیل می شوند.

wife- wives, life- li<u>ves</u> , knife - kni<u>ves</u> , half- hal<u>ves</u> , leaf- lea<u>ves</u>, shelf - shel<u>ves</u> , loaf- loaves , thief - thie<u>ves</u> , wolf- wol<u>ves</u>

استثناء :

roof- roofs , belief-beliefs, safe -safes, cliff- cliffs

4- برای جمع بستن کلماتی که به مرف (y) فتم می شوند ، دو روش وجود دارد.

الف) اگر قبل از مرف (\underline{y}) یکی از مروف صدا دار (a-e-i-o-u) باشد ، فقط و اضافه می شود. day - days, boy - boys, key - keys

ب) اگر قبل از مرف ((\underline{y}) مرف صدادار نباشد ، y به \underline{i} تبدیل می شود و بعد es اضافه می کنیم. baby- babies , city- cities , family - families , fly -flies

5_ برای جمع بستن کلماتی که به مروف (٥) فتم می شوند ، در مالت جمع بستن دو روش وجود دارد.

الف) اگر قبل مرف (٥) ، مرف صدا دار باشد ، فقط ع اضافه می کنیم.

radio- radios, video- videos, zoo- zoos

ب) اگر قبل مرف (o) مرف صدادار نباشد، es اضافه می کنیم.

hero- hero<u>es</u>, potato- potato<u>es</u>, tomato- tomatoes

استثناء :

kilo-kilos, piano- pianos, photo- photos

6- اسم مای جمع بی قاعده درمد کتاب و کنکور:

man-men, woman-women, child-children, foot-feet, tooth-teeth, mouse-mice, goose-geese, deer-deer, sheep-sheep, series-series, species-species, means-means

مروف تعریف معین و نامعین

مروف تعریف نامعین anua قبل از اسامی قابل شمارش مفرد در موارد زیر به کار می روند.

نكته: (an) قبل ازكلماتي كه مرف اولشان يكي از مروف صدا دار (a-e-i-o-u) باشد ، بكار مي رود .

an apple - an orange - an egg

a teacher

an engineer

1. قبل از شغل:

2. اسم مفرد قابل شمارش که برای شنونده نامشمص و نامعین باشد.

I bought <u>a book</u>. حتابی فریده.

3. برای بیان شمارش معادل عدد one (یک):

او یک کتاب و دو خودکار دارد. . She had a notebook and two pens

مرف تعریف معین " the "

1. قبل از اسامی که برای شنونده وگوینده مشفص و معین باشد (بویژه در مملات امری) :

Open the door, please.

2. اگر بفواهیم برای دومین بار یا بیشتر از کلمه یا اسمی که قبلاً در مورد آن صمبت کرده ایم، استفاده کنیم . I bought a car. The car is red.

3. قبل از یدیده های منمصر به فرد در طبیعت و مهان :

the moon /the sun / the earth/ the sky / the world

4. قبل از صفات عالى (برترين) و اعداد ترتيبي :

the first, the second, the best, the biggest, the most beautiful ...

5_ قبل از برخی از بخش های روز:

in the morning, in the afternoon, in the evening

6. قبل از نام فانوادگی که به صورت جمع بیان شود و منظور فانواده باشد:

the Smiths / the Browns

7. قبل از نام کشورهایی که به صورت ایالت ، جمهوری و یا به شکل جمع باشند .

the Republic of Ireland the Islamic Republic of Iran

the United States of America the United Kingdom

the Philippines the Netherlands

8. قبل از اسامی رودفانه ها ، رشته کوهها ، اقیانوسها ، دریاها و فلیج ها :

the Amazon River
the Alps
the Atlantic Ocean

9- قبل از اسامی مکانهای عمومی هتل ها ، رستوران ها ،موزها و سینما هاو

the Grand Hotel, the Rex Cinema, the Mellat Park

10 ـ قبل از برفی از صفات که به کل کروه اشاره می کند.

the rich , the poor , the young, the old

: the אפונג אפא פאניגי

Ali, Tom

1 قبل از اسامی اشفاص ، افراد :

Iran , Rasht

تــوشـــه ای بـــرای مـــوفقـبت

2 قبل از اسامی شهرها ، کشورها :

3. قبل از سال ، اسامی ماه ها و روزهای هفته :

in 1998, in April, on Sunday

4. قبل از اسم غیر قابل شمارش که به صورت کلی بکار می رود:

He likes milk very much.

In the Name of Allah

گرامر و بفش رایتینگ درس دوه پایه دهه :

انواع صفت از نظر مقایسه :

1. صفت برابری (equality)ین صفت برای بیان مقایسه و تساوی، مابین دو مِیز، دو شخص یا دو موقعیت استفاده می شود.

as + صفت + as + صفت برابر

- 1- Reza is 10 years old. Ali is 10 years old. Reza is as old as Ali.
- 2-This ruler is 50 centimeters long. That ruler is 50 centimeters long. This ruler is <u>as long as</u> that ruler.

نكته اضافی 1: اگر مِمله منفی باشد، از الگوی زیر هم میشه استفاده کرد. (استفاده از این الگو افتیاری است) + as

3 - A cow is not so big as an elephant. (= A cow is not as big as an elephant.)

نکته اضافی 2 : به الگوی های زیر برای درک بیشترصفت های برابر توجه فرمایید:

as many + اسم قابل شمارش ممع + as

4- This book has as many pages as that book.

این کتاب به اندازه اون کتاب صفمه دارد.

as many + اسم غير قابل شمارش + as

5- I have as much money as my brother.

من به اندازه برادره یول داره.

نكته اضافي 3 : الكوى قيد برابر هم، مثل صفت برابر مي باشد. (قيد يك فعل را توصيف مي كند.)

as + قيد + as

6- I can speak English as well as my friend.

منمی توانم به فوبی دوستم انگلیسی صمبت می کنم.

2. صفات برتر (Comparative Adjectives)برای بیان برتری یک مِیز بر مِیز دیگری یا یک شفص بر شفص دیگری استفاده می شود. نموه سافتن صفات برتر به شکل زیر است:

الف: صفات یک بفشی: به آخر آن ها er اضافه می کنیم.

Ali is <u>older</u> than Reza.

She is taller than I am(me).

ب: صفات دو بفشی که آفر آن ها y باشد: y را به i تبدیل می کنیم و بعد er اضافه می کنیم.

English is easier than Chineese.

Ali is busier than Reza.

ع: سایر صفات دو بفشی و صفات بیشتر از دوبفش: قیل از آن ها more/less می آوریم.

He is more careful than his sister.

This house is more beautiful than that house.

Girls are more successful than boys in oral skills.

This story is less interesting than that one.

This book is less expensive than that book.

much /a little/rather/a lot/ far نکته اضافی 2: برای توصیف و تاکید بر صفات برتر، از کلمات $\frac{very}{very}$ استفاده می شود. قبل از صفات برتر، نباید از $\frac{very}{very}$

My sister is much /far older than me.

Chinese is much /far more difficult than English.

He is a lot happier than his sister.

This book is a bit easier than that one.

This lesson is rather more difficult than that one.

This house is a little more expensive than that house.

نكته اضافي 3: الكوى قيد برتر هم، مثل صفت برتر مي باشد. (قيد يك فعل را توصيف مي كند.)

- 13- My sister speaks English faster than my mother.
- 14- Mina talks more politely than her brother.

3 صفات عالی (Superlative Adjectives) : برای بیاورتری یک مِیز به تمام مِیزما و یا یک شفص به کل اشفاص دیگر به کار می رود. نموه سافت عالی به شکل زیر است.

الف: صفات یک بفشی: به آخر آن ها est اضافه می کنیم.

This tree is the tallest tree in our garden.

This dictionary is the largest of all others.

ب: صفات دو بفشی که آفر آن ها y باشد: y را به i تبدیل می کنیم و بعد est اضافه می کنیم.

English is the easiest language of all.

My father is the busiest in our family.

ع: ساير صفات دو بفشي و صفات بيشتر از دوبفش: قيل از آن ها the most/leats مي آوريم.

He is the most careful person in his family.

This house is the most beautiful house in the city.

This story is the least interesting story in the book.

This book is the least expensive book in the bookstore.

نكته اضافي (زبان تفصصي): الكوى قيد برترين هم، مثل صفت برترين مي باشد. (قيد يك فعل را توصيف مي كند.)

David runs the fastest of all the runners on the team.

Reza drives the most carefully of all.

نکته آرای کلمات زیر در مالت مقایسه (برتر و برترین) ، از دو روش میشه استفاده کرد ، هم می توانند در مالت برتر er بیاریم. er و در مالت برترین er بیاریم. er و در مالت برترین er بیاریم.

(هر مند که در مورد همه ی این کلمات ، اتفاق نظر کامل، بین گرامر نویسان وجود ندارد.)

(آراه و ساکت) = simple (ساده) quiet (باهوش و زرنگ)

common=(ايچ و متداول) pleasant= (ملايم و نميب) gentle= (ملايم و نميب)

narrow= (باریک) shallow= (کم عمق) polite= (بادب)

This question is simpler than that question.

This question is more simple than that question.

My brother was much cleverer than I was at school.

ي My brother was much more clever than I was at school.

نکته 3: صفت برتر و برترین کلمه (old) به شکل older, the oldest می با شد، قبل ۱ز ۱ سم صفت برتر و برترین کلمه (old) به شکل elder, the eldest قبل اسم هم بکار می رود.

This is Maryam. She is my <u>elder</u> sister. = This is Maryam. She is my <u>older</u> sister. Kathy is <u>the eldest</u> member of the family. = Kathy is <u>the oldest</u> member of the family.

I think your grandmother is older than my grandmother. (באלה ט גנעוב)

I think your grandmother is <u>elder than</u> my grandmother. (مِمله ی نادرست)

صفات بی قاعدہ :

برغی از صفات در مالت های برتر و برترین از الگوهای بالا پیروی نمی کنند، بلکه دارای شکل فاصی در مالت های برتر و برترین

مستند و آنها را باید به فاطر سپرد.

صفت ساده		ממֹבי אָנֹע	ממֹב אָנֿרְנֵינֵי
غوب	good	hetter אָגּע	the best יאַדענט
بد	bad	worse יגע	the worst بدترین
زیاد	many /much	بیشتر more	بیشترین the most
کھ	little	عمتر less	the least בمترين
far دور/ بیش		farther בפנע / further בפנע	the farthest/ the
		بيشتر	furthest

My handwriting is worse than his handwriting. (bad)

Ali is the best student in our class. (good)

Your library has more books than our library. (many)

I have <u>less</u> money <u>than</u> you. (<u>little</u>)

The nearest house was much farther than she thought. (far)

The farthest end of the garden has a lot of grass. (far)

رایتینگ درس دوم زبان پایه دهم

انواع صفت ها عبارتند از:

1-) Quality (كيفيت) / Opinion (نظر و عقيده) :

nice / neat / boring / beautiful / expensive / lovely/ funny /interesting

2- Size (اندازه و سایز) :

small / little / large / big / short / tall / long

3- Age (سن و قدمت) :

young / new / old / modern

-4 شکل) :

مربع شکل square / یهن wide / گرد و مدور

-5 color (رنگ) :

white / red / black / yellow / blue / brown / gray

6- Nationality /Origin (ملیت و مبدا):

Iranian/German / Turkish / Chinese / English / Brazilian

7- Material (مِنس و مواد) :

wooden مفره ای rocky / نقره gold / silver / نقره bronze / iron / آهن plastic /silk / فلز glass / شیشه leather از منس طلا

-8 Purpose (هدف و کاربرد) : این کلمات اسم هستند، که اسم های بعد از غود را توصیف می کنند
sports cars / a school bus / a shopping bag

طرز قرار گرفتن مِند صفت پشت سر هم قبل از اسم :

determiner + quality + size + age + shape + color + nationality + material + noun

תושה + ממֹם לוְנְגָנ+ ממֹם הְנִים + ממֹם מוֹנִים + ממֹם מוֹנים + ממֹם מוֹנים + ממֹם הוֹנים וֹנים + ממֹם הוֹנים וֹנים + ממֹם הוֹנים וֹנים הוֹנים וֹנים וֹנים וֹנים וֹנים וֹנים וֹנים הוֹנים וֹנים הוֹנים וֹנים הוֹנים וֹנים וֹנים וֹנים וֹנים וֹנים הוֹנים הוֹנים וֹנים הוֹנים וֹנים הוֹנים וֹנים הוֹנים ה

آن یک راکت زیبای بزرگ کهنه گرد مشکی ایتالیایی آهنی تنیس است.

مِند مثال دیگر:

an interesting old French painting a nice new green shirt the beautiful Persian silk carpet

- برای یاد گیری ترتیب صفات در مالت کلی کاسه شرم مِک را به یاد داشته باشید**.**
- در باره مزییات ترتیب صفات قبل اسم اتفاق نظر کامل بین گرامر نویسان نیست ولی فرمول ارائه شده در بالا همیشه در سوال های کنکور مواب می دهد .
 - در کتابهای مدید انگلیسی صفت کیفیت (quality) را صفت نظر / عقیده (opinion) می نامند. شناسه ها (مشفصه ها / توصیف کننده ها) عبارتند از:
 - 1- مروف تعریف (a /an / the)
 - 2- صفات عددی (اول عدد ترتیبی بعد عدد شمارشی) the first two days
 - 3- صفات اشاره (this/that/these/those -3
 - 4- صفات ملکی (my/your/his/her/its/our/their) -4
 - (some/ a few / no / any / a little / a lot of / much / many...) حفات کمی -5



In the Name of Allah

گرامر و بفش رایتینگ درس سوی پایه دهی :

زمان گذشته استمراری: (Past Continuous / Progressive)

+ was/ were + فاعل +ing

1- He was writing a letter between 9 and 10 last night.

او بین ساعت 9 و 10 داشت نامه ای می نوشت.

2- They were watching TV all night.

آن ها تمام شب داشتند تلویزیون تماشا می کردند.

نکته 1: برای منفی کردن زمان گذشته استمراری، بعد از فعل های کمکی ($\frac{not}{not}$) ،($\frac{not}{not}$) یا شکل مففف (n't) را می آوریه.

- 3-He was not(n't) writing a letter between 9 and 10 last night.
- 4-They were <u>not(n't)</u> watching TV all night.
 . نکته 2: برای سوالی کردن زمان گذشته استمراری ، مای فعل های کمکی (was / were)، با فاعل عوض می کنیم
- 5- Was he writing a letter between 9 and 10 last night?
- 6- Were they watching TV all night?

موارد کاربرد زمان گذشته استمراری:

- 1- بیان عمل یا رویدادی که در زمان معینی (مشفصی) درگذشته درمال انجای (در مریان) بوده است. در این کاربرد زمان دقیق آغاز و پایان آن عمل یا اتفاق مشفص نشده است.
- 7- I was watching football at this time yesterday.

ديروز اينموقع داشتم فوتبال تماشا مي كرده.

8 - They were studying all day yesterday.

آن ها دیروز تمام روز داشتند درس می خوانند.

2- بیان عمل یا رویدادی که در گذشته ادامه داشته و کار دیگری با آن تلاقی پیدا کرده. (در این کاربرد) در اکثر موارد ، گذشته استمراری همراه با گذشته ساده بکار میرود. در چنین مالتی، گذشته استمراری بر کارها و فعالیتهای طولانیتر (که در پسزمینه هستند) دلالت میکند، در مالی که گذشته ساده بر کارها و فعالیتهایی دلالت میکند که در میانه کارهای طولانیتر اتفاق افتاده اند.

نکته 1: در این کاربرد، از مروف ربط (<u>when / as / while</u>) استفاده می شود. الگوی استفاده از این مروف ربط، معمولا به شرع زیر است:

گذشته استمراری , گذشته ساده + when + گذشته استمراری

9-When My father came in, I was reading a story book. (OR) I was reading a story book when my father came in.

من داشتم كتاب داستان مي غوانده، وقتي كه پدره آمد داغل.

While As + گذشته استمراری + گذشته ساده + گذشته استمراری + while <math>As + B

- 10-While he was watching TV, the phone rang. (OR) The phone rang while he was watching TV.
- 11- As they were walking in the street, they saw the accident.

 (OR) They saw the accident as they were walking in the street.

نکته 2: در سافتار دوی، به مای ($\frac{\text{while }}{\text{as}}$) از ($\frac{\text{when}}{\text{while}}$) هم میشه استفاده کرد.

13- I met her when / as / while we were working for the same company.

نکته 3 : در این کاربرد، <u>قبل از گذشته ساد</u>ه ، تنها از (<u>while /as</u>) میشه استفاده کرد (. به عبارت دیگر (<u>while /as</u>) با گذشته ساده که نشان دهنده یک عمل کوتاه و لمظه ای است ، بکار نمی روند.)

- 13- When I met her, we were working for the same company. (مِمله درست)
 - * While I met her, we were working for the same company.(جمله نادرست)
 - * As I met her, we were working for the same company. (בְּאַנוּ טֹצְנְעַעִיב)
 - -3 گذشته استمراری برای بیان دو عمل که به طور هم زمان را زمان گذشته در مال انجام بوده است، نیز بکار می دود.

While - As - When + گذشته استمراری + گذشته استمراری + when / while / as + گذشته استمراری + 2

- 14- While /As /When my mother <u>was cooking</u> lunch, my father <u>was reading</u> a newspaper. (OR) My father <u>was reading</u> a newspaper, while /as / when my mother <u>was cooking</u> lunch.
 - 4. برای درک بیشتر ، دو ممله ی زیر را با هم مقایسه کنید.
- 15- When the guests <u>arrived</u>, my mother <u>was cooking</u> dinner.

وقتی مهمان ها رسیدند، مادره داشت شاه درست می کرد.

(شاه درست کردن مادره <u>قبل از آمدن مهمان ها</u> شروع شده بود و <u>زمانی که مهمانان رسیدند، شاه پفتن او ادامه</u> داشت .)

16- When the guests <u>arrived</u>, my mother <u>cooked</u> dinner.
وقتی مهمان ها رسیدند، مادره شاه درست کرد.) (شاه درست کردن مادره بعد از آمدن مهمان ها شروع شد.)

بمْش رایتینگ درس سوم ز*بان پایه* دهم

افعال به دو گروه طبقه بندی می شوند.

2- افعال مالت / ایستایی (<u>State Verbs</u>)

1- افعال کنشی/ مرکتی (Action Verbs)

افعال کنش/ مرکت (<u>Action Verbs</u>) افعالی هستند که انباه عمل، مرکت یا تغییر مالت را بیان می کنند. walk / study / say / write / go / visit / drink

- نکته : افعال کنشی را می توان هم به شکل ساده و هم استمراری بکار برد.
- 1 He <u>walked</u> to school yesterday.
- 2- While he was walking to school, he saw the accident.

2- افعال مالت / ایستایی (State Verbs): :افعالی هستند که <u>مالت، امساس، فکر و عقیده</u> را بیان می کنند. برغی از افعال مالت (ایستایی) در مد کتاب درسی و کنکور عبارتند از :

۱– افعال مالکیت :

دارا بودن/ داشتن = possess مالک بودن = own دارا بودن/ داشتن = belong to

2- افعال مربوط به مس ها، امساس و نياز :

3- افعال مربوط به بیان عقیده، نظر و فکر :

به یاد آوردن =remember اعتقاد داشتن =believe عقیده داشتن /فکر کردن =think

دانستن – شناختن = know فهمیدن = dorget

مفالف بودن = agree موافق بودن = agree انتظار داشتن = expect

realize= فهمیدن recognize= تشفیص دادن

4- افعال مربوط به مومودیت:

be= אָפּניט exist= פְאָפְנ נוֹשֹׁנִיט consist of=contain/ include = שוֹאם שׁניט/ נוָען נוֹשִׁנִיט

5- افعال مربوط به ظاهر و قیافه :

به نظر رسیدن =sound به نظر رسیدن =appear به نظر رسیدن =seem

6۔ برغی از افعال مالت دیگر:

معنی داشتن =mean وزن داشتن =weigh

قيمت داشتن =cost اهميت داشتن =mind=matter

نكته مهم : برغى از افعال مالت (ايستايي)، مي توانند فعل كنشي نيز ممسوب شوند، كه معاني متفاوتي دارند. اين فعل ها در این معانی جدید ، به شکل استمراری هم می توانند بکار روند. برغی از این افعال عبارتند از:

فوردن=have ملاقات کردن =see فکر(تفکر کردن) کردن در مورد کسی یا مِیزی = think

שפוט בעני =weigh

3- I am seeing the doctor at 6 tomorrow. (ملاقات کردن) (ممالة على الله عليه درست)

4-I <u>see</u> you now. (בעני) (אָאלה געשבי)

5-*I am seeing you now. (בעביט) (אָאלה טונעשבי)

6. I think you are right. معتقده مق با تو است.(ایستایی)

7. I am thinking about you. داری به تو فکر می کنی. (کنشی)

بمایر انعکاسی و تأکیدی Reflexive Pronouns:

ضمير انعكاسي : وقتى فاعل و مفعول ممله هر دو يك شفص يا يك ميز باشد به ماى ضمير مفعولي از ضماير انعكاسي استفاده می شود. ضمایر انعکاسی عبارتند از :

فوده myself فودمان ourselves

غودت yourself غودتان yourselves

(مذکر) فودش himself

(مؤنث) فودش herself غودشان themselves

itself (غير انسان) غودش

1- I saw myself in the mirror.

من فوده را در آینه دیده.

- تــوشــه ای پــرای مــوفقیت . 2-<u>She</u> burnt <u>herself</u>
 - نكته ى اضافى 1: برغى از افعال مانند $\frac{buy}{a}$, $\frac{buw}{a}$, $\frac{bow}{a}$, $\frac{bow}{a}$, $\frac{bow}{a}$, $\frac{bow}{a}$ 2- مفعول غير مستقيم (شفصي) 1- مفعول مستقيم (غير شفصي)
- 3. He made a cake for himself.
- 4. He made himself a cake.

نکته ی اضافی 2: ضمیر انعکاسی ، اگر به همراه by در آخر جمله بیاید، معنی «به تنهایی » = on (my, your ...) own alone / without help را مي دهند.

- 5- I did my homework by myself. (= alone / on my own)
 - تکلیفی را به تنهایی انجای دادی. (کسی کمکی نکرد.)
- 6- Do your job by yourself. (= alone / on your own)

ضمایر تأکیدی : ضمایر انعکاسی اگر برای تاکید بر روی فاعل و مفعول ممله بکار بروند به آنها ضمایر تأکیدی گفته می شود. ضمایر تأکیدی برای تأکید بر فاعل ممله در دو ما بکار می روند.:

الف) بعد از فاعل ب) در انتهای ممله

- 7- $\underline{\mathbf{I}}$ myself repaired the bicycle. (نه شفص دیگری (نه شفص دیگری \mathbf{I} myself repaired the bicycle)
- 8- I repaired the bicycle myself.

در مثالهای بالا " myself "غوده" بر فاعل I تأکید دارد.

تأكيد بر مفعول جمله:

ضمایر تأکیدی برای تأکید بر مفعول جمله فقط بعد از مفعول جمله بکار می رود.

9- I like the house itself, but I don't like the neighbors.

من غود غانه را دوست داره ، اما همسایه ها را دوست نداره.

در مثال بالا itself بر مفعول ممله the house تأكيد دارد.

***نكات اضافى در مورد ضماير انعكاسى و تاكيدى :

نكته اضافي 6 (زبان تفصصي) : به برفي اصطلامات زير كه با ضماير انعكاسي مي آيند دقت كنيد.

- به ما مُوش گذشت. . To- We enjoyed <u>ourselves</u>. به ما مُوش گذشت
- از فودتان پذیرایی کنید Help yourself. از فودتان پذیرایی کنید
- 12- Make <u>yourself</u> at home. مودتونه غودتونه
- مراقب رفتار فودتان در فونه پدر بزرگ باش. Behave yourself at grandfather's house. مراقب رفتار فودتان در فونه پدر بزرگ باش



In the Name of Allah

کرامر و بفش رایتینگ درس چهاره پایه دهم :

افعال كمكى فاص (وجهى) (Modals) : بعد از اين افعال كمكى ناقص، فعل اصلى به صورت ساده (مصدر بدون to)

بکار می رود. این افعال در مد کتاب درسی دهم عبارتند از:

can / may/ should / must

موارد کاربرد فعل کمکی <u>can</u>:

1- توانایی انمام کاریا عملی در زمان مال یا آینده (Ability) :

- 1-I can speak French.
- 2-She can swim well.

2- درخواست انمام کاریا عملی (Request):

- 3- Can you help me lift this box?
- 4- Can you put the children to bed?
- 5- Can you answer the phone, please?

3- ييشنهاد انمام كاريا عملى (Offer):

- 6- Can I help you?
- 7- Can I get you a cup of coffee?
- 8- We can eat in a restaurant if you like.
 - 4- امازه انمام کاریا عملی در سبک غیر رسمی (Permission):
- 9- You can stop work early today.
- 10-You can go if you want to.
- 11-You can't park here. It is no parking zone [منطقه/ جاى پارک].

له ای بیرای میوفقیت

- 12-"Can we go home now, please?" "No, you can't."
- 13-A:"Can I use your car?" B:"Sure, you can use it."

موارد کاربرد فعل کمکی "<u>May":</u>

- 1- برای امتمال کار یا عملی در زمان مال یا آینده (Possibility):
- 1- It may rain tomorrow.
- 2- It may be late, so don't wait for me.
- 3- That may not be true.
- 2- اجازه فواستن یا اجازه دادنانجام کار یا عملی (<u>Permissin</u>) در سبک رسمی :
- 4- May I use your cellphone?
- 5- May I leave the classroom?
- 6- Thank you. You may go now.
- 7- You may smoke outside.

3- برای بیان آرزو و امید و دعا (Wishes and Hopes):

8- May God be with you.

9- May you win.

موارد کاربرد (<u>Should</u>) :

Advice (مان مال و آینده 4 برای بیان نصیمت ، اندرز ، توصیه 4 بهتر بودن انجام کار یا عملی در زمان مال و آینده 4 (Recommendation)

- 1- You look tired. You should go to bed.
- 2- I think the government should do more to help homeless people.

2- براى بيان انمام وظيفه و مسوليت (Responsibility or Duty):

- 3- I should visit my parents more often.
- 4- A restaurant's kitchen should be clean.
- 5- A teacher should be well-prepared for every class.
- 6- A student shouldn't waste his parents' money.

موارد کاربرد (<u>must)</u> :

1- برای بیان الزام و ضرورت شدید شفطی: (Strong Personal Obligation/ Necessity)

- 1- I must go to bed earlier.
- 2- I must buy some new clothes. My clothes are so old.

2- برای بیان استنباط و نتیمه گیری (امتمال زیاد): (Deduction and Conclusion (high probability

3. You must be Anna's sister, you look exactly like her.

تو باید غواهر آنا باشی. دقیقاشبیه او هستی.(نتیمه گیری و استنباط)

4. Maryam <u>must</u> <u>have</u> a problem. She is crying.

مریه باید مشکلی داشته باشه. داره گریه می کنه.

موقعی بکار میرود که کاری و یا عملی بشدت نهی می شود. ($\frac{\text{must not/mustn't}}{\text{must}}$

5. You <u>must not</u> <u>tell</u> this to anyone. It's a secret.

نباید این رو به کسی بگی.(این) یک راز است.

عروف افنافه زمان (Prepositions of Time) عروف افنافه زمان

موارد کاربرد مرف اضافه in برای زمان:

1- برفي از قسمت هاي روز:

<u>in</u> the morning/ <u>in</u> the afternoon / <u>in</u> the evening/

2- برای ماه ، فصل، سال، دهه ، و قرن

<u>in</u> January /<u>in</u> February/ <u>in</u> March
 <u>in</u> (the) spring /<u>in</u> (the)summer/ <u>in</u> (the)fall=autumn/ <u>in</u> (the) winter
 <u>in</u> Norooz / <u>in</u> 1998 / <u>in</u> 2018 / <u>in</u> the 18th century

برای زمان ، در کتاب های درسی و در مد کنکور: ightharpoonup برای زمان ، در کتاب های درسی و در مد کنکور:

in 2 hours/ in a few minutes / in a week / in the end / in the past / in the future

موارد کاربرد مرف اضافه on برای مکان:

on Saturday / on Sunday

on Monday morning / on Tuesday evening / on Christmas Day

on holiday/ on vacation /

on April 18th/ on the first of June

موارد کاربرد مرف اضافه علم برای زمان:

<u>at</u> 2 o'clock / <u>at</u> night / <u>at</u> noon / <u>at</u> midnight [نيم هبر] / <u>at</u> midday [نيم هبر] / <u>at</u> sunrise [طلوع آفتاب] / <u>at</u> sunset

برفی از کاربردهای دیگر (at) برای زمان در کتاب های درسی و در مد کنگور:

at present [در مال ماضر] / at the moment (همين الان] / at that time در آنموقع

at the same time [بطور همزمان] / at last [سرانمام] / at first [ابتدا] /

at the beginning [در شروع / at least [مداقل / at once / مداقل /

at lunch / at dinner time / at the weekend [آغر هفته در بریتانیایی استفاده می شود.] / on the weekend در آمریتایی استفاده می شود.

عروف افنافه مكان (Prepositions of Place): (Prepositions of Place) عروف افنافه مكان

موارد کاربرد in برای مکان:

💠 برای شهر، کشور و قاره:

in Rasht/ in Tehran / in London

in Iran/ in the USA/ in France

in Asia/ in Africa/ in Europe

برفی از کاربردهای دیگر (in)، برای مکان ، در کتاب های درسی و در مد کنکور:

in a village / in a town / in a city / in the country / in the world / in the mountains / in a forest / in the yard / in the street / in the river / in the lake / in the sea / in the ocean [اقدان] / in bed / in hospital / in prison [زندان] / in a book / in the picture / in the middle [مناء] / in a line [مناء]

موارد کاربرد on برای مکان:

/on the table/ on the desk / on page 5 / נו at the table / at the desk [پشت ميز]
/on a chair/ on the wall / on the ground /on the way[هاه] / on the left [سمت مِب] / on the right[سمت مِب] / on the right[سمت راست] / on the floor[قف اتاق] / / on the bus / on the train / on the plane / on Imam Street / on TV / on the radio / on the phone / on the farm / on the map

000

موارد کاربرد next to برای مکان:

- این مرف اضافه از معنی آن مشفص است و مشکلات مرف های اضافه بالا را ندارد.

 $\underline{next\ to}$ the hospital / $\underline{next\ to}$ the post office / $\underline{next\ to}$ police station / $\underline{next\ to}$ the drugstore / $\underline{next\ to}$ the window

موارد کاربرد in front of برای مکان:

- این مرف اضافه هم، مانند next to از معنی آن مشفص است و مشکلات مرف های اضافه بالا را ندارد.

<u>in front of</u> the hospital / <u>in front of</u> the post office / <u>in front of</u> police station / <u>in front of</u> the drugstore / <u>in front of</u> the window

به تفاوت دو مملهزیر دقت کنید.

- 2. The bank is <u>across from / (opposite</u>) the park.
 [بانک مقابل / رو به روی (آن طرف غیابان) پارک است.]

رايتينگ درس چهاره زبان پايه دهم

قید های مالت (Adverbs of manners):

قید مالت مِگونگی و نموه ی انمام فعل (اصلی) را نشان می دهد ، اما <u>صفت</u> یک <u>اسم</u> را توصیف می کند. اکثر قید های مالت با اضافه کردن (۱<u>۷ -)</u> به آغر صفت درست می شوند.

- 1-She drives her car carefully.
- 2- The tourists spoke English perfectly.

قید های بی قاعده : برغی از صفت ها و قید ها به یک شکل هستند . یعنی در مالت قید ی |y| نمی گیرند.

صفت (adjective)	قید (adverb)	قید هایی با معنی متفاوت	
fast ह्यूण	Fast בעבאש תי		
Hard	hard = [(یاد)]	*hardly [به زممت/ به ندرت]	
		قید تکرار	
good [بهن]	well [به غوبی]		
late [נעַן]	late [121]	*lately [افيرا / به تازكی]	
		قید زمان	
right [درست و صمیع]	[بدرستی و بطور صمیم] right		
wrong [خلط و نادرست]	wrong [blk aj]	*wrongly	
Early	Early		
high [بلند و مرتفع]	high [در ارتفاع / در بالا]	* highly [بسیار / فیلی]	
straight [مستقیم و صاف]	straight [بطور مستقیم]		
[ممانی و آزاد]	free [بطور ممانی]	*freely [dikijī]	
[(صدا) بلند]	loud / aloud/ loudly	JI	
4.0	با صدای بلند		

- 3- Ali is a fast driver. He drives fast.
- 4- Reza is a hard worker. He works hard. [بعد از فعل اصلى مي آيد / معني و مفهوم مثبت دارد]
- 5- My father is very <u>old</u>. He <u>hardly</u> works. [مبل از فعل اصلی بعد از فعل حمحی می آید / مفهوم منفی دارد و قید تحرار است.] <u>hardly</u>
- 6- Mina is a good student. She studies well.
- 7- She was <u>late</u>. She came to class <u>late</u>.
- 8- That is the <u>right</u> answer. We guessed the answer <u>right</u>.
- 9- The letter was delivered to the $\underline{\text{wrong}}$ address.
- 10-He spelt my name wrong.

- 10- His name was wrongly spelt. [.يد.] در جملات مجهول مي آيد. (در جملات مجهول على الله مفعول فعل (در جملات مجهول) مي آيد.
- 11- They were <u>early</u> for the class. They arrived <u>early</u>.
- 12- It was a high fence [مصار]. He kicked the ball high into the air.
- 13- She is a <u>highly</u> educated woman.
- 14- Her hair is straight.
- 15- He was so tired he couldn't walk straight. Let's go straight to the airport.
- 16- Admission is free for children under 7.
- 17- Children under 4 can travel free.
- 18- In that country, you can speak and write <u>freely</u>.
- 19- The music was so loud that I couldn't hear anything.
- 20- Do you have to play the music so loud? Can you speak a little louder?
 - 21 She always speaks <u>loudly</u> in the class.
 - 22- Would you read the poem aloud? [read / say / laugh / cry / think]
 - 23- You have to speak quite <u>aloud</u> for the people at the back. (בְאַלוּה יוֹצנעשבי)
 [Do not use "aloud" to mean in a loud voice. Use loudly]
 - 24- You have to speak quite loudly for the people at the back. (בְּאַנוּ בּנְעוֹבי)

نکته های اضافی در مورد قیدها:

در اکثر کلمات، اگر(y|-) به آفر اسم اضافه شود آن کلمه صفت است . برای فهم بیشتر، به نکات زیر توجه شود. الف) کلماتی که y|- دارند و به اسم افزوده می شوند ، صفت محسوب می شوند عبارتند از:

friend - friendly/ love- lovely / cost - costly [قران / گران / أيسكان / brother -brotherly / sister- sisterly / curl - curly [مجعد / فرفری] / earth- earthly (فاكي / زميني) / man-manly / woman- womanly /

ب) كلماتى كه الله عبارتند از: من شوند كه هم صفت و هم قيد ممسوب من شوند عبارتند از: day - daily/ week -weekly/ month - monthly/ year -yearly / night- nightly /body-bodily/ like- likely [ممتمل / اعتمالا]

ه) کلماتی که $\frac{|y|}{|y|}$ دارند و به مفت افزوده می شوند و دوباره مفت ممسوب می شوند عبارتند از: \live- live\frac{|y|}{|y|} \rightarrow \live\frac{|y|}{|y|} \rightarrow \left{ live- live} \rightarrow \rightarrow \left{ live} \rightarrow \left{ live} \rightarrow \rightarrow \left{ live} \rightarrow \r

د) صفت هایی که مثل قید ها ، در فود کلمه <u>اه</u> دارند ، اما <u>صفت</u> ممسوب می شوند. [اممق/ امماقانه] silly – [مقدس] اولت] المقرب الماقانه] ugly – [رشت]

نکات اضافی در مورد املای قید ها : موقع افزودن(-|y| به $\overline{|a|}$ به $\overline{|a|}$ در برغی از کلمات، یک سری تغییرات املایی صورت می گیرد.

- 1- _ i من y تبدیل / happy- happily / امونیانه / happy- happily / امونیانه / shy- shyly [با کم رویی] /sly slyly [مونیانه]
- 2- مذف <u>le مذف comfortable</u> comfortably [به رامتی] simple simply
- 3- -ic זּגנעָט װּ ic<u>ally</u> econom<u>ic</u> econom<u>ically</u> [אינען ופֿזמונט] scientific-scientifically [אינען פור וון נאַן אוסט] [אינען אוסטן און אור אור וון נאַן אוסטן און אור אור וון נאַן אוסטן און אור וון נאַן אוסטן און ווי וון נאַן אוסטן און ווי וון נאַן אוסטן און ווי ווי אוסטן אינען אוסטן אינען אוסטן אינען אוסטן און אוסטן אינען אוסטן אינען אוסטן אינען אוסטן אינען אייען אייען אינען אייען אי

[استثناء] publ<u>ic</u>- publ<u>icly</u>

- 4- اکثر کلماتی که به مرف (\underline{e}) فتم می شوند، موقع افزودن (\underline{e}) مذف نمی شود.

 polite politely/ complete- completely / [استثناء] /true- truly/- /whole-wholly [بطور] رکاملاً
- 5- اکثر کلماتی که به پسوند (ful) فتم می شوند، موقع افزودن (- ly) به شکل (fully) به شود. careful carefully/ hopeful hopefully / /beautiful beautifully /

 [استثناء]: full fully (کاملاً) جاملاً]: full fully (کاملاً)
- 6- اکثر کلماتی که به مرف (اِ) فتم می شوند، موقع افزودن(اِ<u>وا-)</u>، به شکل (اِ<u>وا-)</u> نوشته می شود. [بطور رسمی] final - finally / formal formally [بطور رسمی]

تــوشـــه ای پـــرای مـــوفقیت

In the Name of Allah



الرالی الیالی ت ترامری و نوشتاری ت زبان انگلیسی پایه ی یازدهم

In the Name of Allah

گرامر و رایتینگ درس اول پایه پازدهم :

Countable & Uncountable Nouns

اسم های قابل شمارش و غیرقابل شمارش

اسم قابل شمارش : اسم هایی که هم شکل مفرد و هم شکل جمع دارند و شکل مفرد آنها ، معمولاً با a /an بکار می رود .

a book - books

a chair - chairs

a person - people

a man - men

a child - children

a tooth - teeth

a dollar - dollars

a sheep - sheep

اسم غیر قابل شمارش : اسم هایی که شکل جمع ندارند و یک شکل دارند و شکل مفرد آنها با a /an بکار نمی رود . تعدادی از اسم های غیر قابل شمارش که در ممدوده ی کتابهای درسی و تستهای کنکور می باشند عبارتند از :

الف: اكثر مايعات، نوشيدني ها و گاز ها :

fuel, blood, water, milk, tea, juice, coffee, oxygen, smoke, air

ب:اسم های مربوط به جنس، مواد و برخی از غذا ها ᠄

silver, gold, cotton, wood, iron, meat, butter, bread, rice, sugar, salt, soup

۾:زبان ها :

English, Persian, Chinese, Arabic

د: برغی از اسم های معنی (انتزاعی) :

love, honesty, happiness, beauty, health, knowledge

ه – برغی اسم های غیر قابل شمارش دیگر عبارتند از:

money, homework, information, advice, furniture, weather, traffic, news, time, food, light, play, room, noise, work, glass, paper

صفات کمی و کلمه پرسشی که قبل از اسامی قابل شمارش می آیند عبارتند از :

تعداد مٰیلی که(گافی نیست) = تقریبا میع =e)	I have <u>few friends</u> here. I feel lonely.
ی مــوفة مفهوم منفی دارد.	من دوستان غیلی کمی اینما داره. امساس تنهایی می کنه.
(+) a few = چند تایی تعداد کمی = چند تایی	I have <u>a few friends</u> here. I don't feel lonely.
مفهوم مثبت دارد.	من چندتایی دوست اینما داره. امساس تنهایی نمی کنه.
many= تعداد زیادی	Are there many cars in the street? I don't have many friends.
بیشتر در مملات سولی و منفی استفاده می شود.	
several = تعدادی	several animals تعدادی میوان
فرد تاک / فه یعدادک =how many	How many pencils do you have?

صفات کمی و کلمه پرسشی که قبل از اسامی غیرقابل شمارش می آیند عبارتند از :

(-) little	I have <u>little</u> money. We can't buy fruit.
مقدار فیلی کھ(ناکافی) مفہوم منفی دارد	من مقدار فیلی کمی پول داره. ما نمی تونیه میوه بفریه.(واسه فریدن
	میوه پولم کافی نیست)
مقدارکمی (مفهوم مثبت دارد)=(+) a little	I have <u>a little money</u> . Let's buy some fruit.
	من مقدار کمی پول داره. بیا مقداری میوه بفریه.(واسه فریدن میوه
	پولم کافی است.)
much= مقدار زیادی	I didn't buy much bread.
	Is there <u>much</u> water in the glass?
بیشتر در مملات سولی و منفی استفاده می شود.	
ېه مقدار ۲ =how much	How much money do you need?

صفات کمی که هم قبل از اسامی قابل شمارش و هم اسامی غیرقابل شمارش می آیند عبارتند از :

7, 33, 7, 32, 33, 33, 33, 33, 33, 33, 33, 33, 33	عدد دسی در اسمی عام السمال عام السمال عام السمال عام
some= تعدادی/ مقداری	There is <u>some</u> bread on the table. There are <u>some</u> plates on the table
(در مِملات فبری مثبت استفاده میشه)	
a lot of= (یادی(رسمی) =a	She needs <u>a lot of</u> books. He has lots of friends.
lots of= (غیررسمی) =lots of	She has <u>plenty of</u> money.
plenty of = تعداد یا مقدار زیادی	
(بیشتر در مملات فبری مثبت استفاده می شوند.)	
all= cas	all the girls all the money
any= هيچ	Do you have <u>any</u> money? I don't have <u>any</u> brothers.
در ممله های منفی و سوالی به مای	
some استفاده می شود.	تـوشــه ای بــرای
ەت¢=0u	I have no time. She has no Spanish books.
(در جمله های فبری استفاده می شود و مفهوم	
منفی دارد.)	

کلمات اندازه گیری و پیمانه ها برای اسامی غیر قابل شمارش

Containers & Measure Words for Uncountable Nouns

a bottle of يک بطری	water/ milk
یک فنمان a cup of	tea / coffee
a glass of يک ليوان	water / milk / juice
يک کيسه a bag of	rice/sugar/flour
a piece of دی / مک تک	cake/ paper/ advice / bread/ cheese/ news/ furniture/ wood / land/ information / clothing
a slice of مکت عام	cake / cheese / melon / pizza
a kilo of يک کيلو	rice/ meat
a loaf (loaves) يک قرص	bread
a drop of يک قطره	water/ rain/ blood
a jar of (ظرف) a jar of	jam / honey
a bar of يک قالب / يک شمش	chocolate / gold/ soap
a carton of يک کارتن / پاکت	milk/ juice/ ice cream
a can (tin) of يک قوطی	soup / tuna / paint
a bowl of (بیاله) مسک حی	soup
a sheet of يک ورق	paper / metal / ice
a tube of (تيوبى a tube of	glue / toothpaste
a packet/box of يک بسته	sugar / tomato sauce

نکته : برای شمارش اسه های غیر قابل شمارش، از کلمات اندازه گیری و ظروف (پیمانه ها) استفاده می کنیه. که این کلمات اندازه گیری (مُمیزها) را می توانیم مِمع ببندیه، اما فود اسه های غیر قابل شمارش بدون تغییر می ماند (مِمع بسته نمی شوند).

1-She drinks two cups of tea every morning.

او هرروز صبع دو فنمان چای (دوتا چایی) می خورد (می نوشد).

2-I bought three loaves of bread yesterday morning.

سه قرص نان (سه تا نان) ديروز صبع فريده.

نکاتی در مورد نوشتن و خواندن اعداد:

1- اعداد ، قبل از اسم های قابل شمارش می آیند. اگر عدد یک (one=1) بیاد، اسم بصورت مفرد می آید ،اما بعد از two, three, four ...) اسم بصورت جمع میاد.

one book - three books - ten books

2- در نوشتن اعداد (21 تا 99) بصورت مروفی، به مزء مضرب های ده (...30-20-10) ، بین دهگان و یکان این اعداد، فط تیره کوتاه ((-) , hyphen) گذاشته می شود.

21= twenty-one 22= twenty-two 45= forty-five 99 = ninety-nine

3- به غواندن و نوشتن اعداد زیر بصورت مروفی دقت شود.

 100= one hundred
 200 = two hundred

 1000=one thousand
 2000 = two thousand

 1000000 = one million
 2000000 = two million

 1000000000 = one billion
 2000000000 = two billion

نکته 1: اگر اعداد (hundred, thousand, million, billion) $\frac{(S)}{(S)}$ (ا داشته باشند) ($\frac{(S)}{(S)}$ (ا داشته باشند) ($\frac{(S)}{(S)}$ (عداد (باسته باشند) مع نمی گیرند.

- 1-There were about two <u>hundred</u> people at the meeting. (ممله درست)
- 2-There were about two <u>hundred</u>s people at the meeting. (جمله نادرست)

نكته 2: اگر اعداد، با سافتار (hundred, thousand, million , billion) of +nouns))، (S) ممع مي گيرد.

- 1-It has happened hundreds of times.
- 2- Millions of people live in this area.

نکته 3: به ساختار زیر ، در ترتیب اعداد ،صفات و اسم ها که پشت سر هم در یک ممله استفاده می شوند، دقت کنید .

اسه + صفت + عدد (

وشــه ای بــرای مــوفقیت

- 1-There are five beautiful trees in the garden.
- 2- She took forty-six interesting photographs yesterday.

بمْش رایتینگ درس اول زبان یازدهم:

Simple Sentences

مملات ساده) در زبان انگلیسی

مر ممله ساده در زبان انگلیسی، باید مداقل یک فاعل(subject) و یک فعل(verb) داشته باشد.

1-My father is sleeping. subject verb

ترتیب معمول قرار گرفتن کلمات در جمله های ساده ، در زبان انگلیسی عبارتند از:

<u>subject</u> + <u>verb</u> + <u>object</u> + <u>adverb of manner</u> + <u>adverb of place</u> + <u>adverb of time</u>.

قيد زمان + قيد مكان + قيد مالت + مفعول + فعل + فاعل

2-<u>Our teacher explained the lesson carefully in class yesterday.</u>
subject verb object adverb of manner adverb of place adverb of time

نكته 1: ممله مي تواند هم فعل اصلي داشته باشه و هم فعل كمكي.

3-They <u>can</u> <u>ride</u> a bike.

فعل اصلی+ فعل کمکی

نكته 2: قيد هاى تكرار (adverbs of frequency) معمولاً بعد از فعل كمكى و قبل از فعل اصلى مى آيند.

always / usually / often/ sometimes/ rarely بندرت / seldom بندرت never...

6- He <u>usually</u> comes to class late. 7-She may <u>often</u> be late. 8-They are <u>usually</u> on time.

نکته 3: گاهی اوقات ، قید های مالت قبل از فعل اصلی می آیند (بویژه در <u>مملات ممهول</u> ، <u>قبل از اسم مفعول</u> pp می آیند).

9-The lesson was carefully explained by the teacher yesterday.

نكته 4 : برغى از افعال، دو مفعول دارند. (1- مفعول مستقيم 2- مفعول غير مستقيم). به سافتار هاى زير توجه كنيد.

مفعول غیر مستقیم to/for + مفعول مستقیم

10-l gave <u>a book</u> to <u>Mina</u> last week.

11- I will buy a cellphone for you next week.

مفعول مستقيم + مفعول غير مستقيم

12-I gave Mina a book last week.

13-I will buy you a cellphone next week.

کرامر درس دوم زبان انکلیسی پایه یازدهم :

Present Perfect

مال كامل (ماضى نقلى)

: subject + have / has + pp + ...

- 1-We have lived in Tehran since 2012.
- 2-She has lived in Tehran for 8 years.

نكته 1 <u>Past participle: ا</u>سم مفعول (pp) ا فعال با قاعده با افزودن { <u>d/ed } سافته می شود و افعال بی قاعده باید</u>

اسم مفعول (شكل سوم) آن ما را مفظ كنيم .

play - played - played

study - studied - studied

watch - watched - watched

put - put - put

buy - bought - bought

وفقينا

go - went - gone

نکته 2 : برای منفی کردن مال کامل (ماضی نقلی) به فعل های کمکی $\frac{(not/n't)}{(not/n't)}$ ، $\frac{(not/n't)}{(not/n't)}$

- 3- I have not done my homework yet.
- 4- She <u>hasn't spoken</u> to me since last week.

نكته3 : براى سؤالى كردن مال كامل (ماضى نقلى) ، ماى فعل كمكى {have / has } با فاعل عوض مى شود.

- 5- Have you finished your homework yet?
- 6- Has she lived in Tehran for 8 years?
- 7- How long have you lived in this house?

نكته 4 : در زمان ماضى نقلى ، مخفف (شكل كوتاه شده) " <u>has</u> " بصورت <u>('s)</u> و مخفف <u>have</u> بصورت <u>('ve)</u> مى باشد.

- 8-We've studied English for 2 hours.
- 9-It's rained here since last night.

***موارد كاربرد مال كامل (ماضى نقلى):

1- برای بیان کاری یا عملی که در گذشته نامعلوم انمام شده است :

10- I have seen this film.

این فیلم را دیده ام. (در زمانی در گذشته)

11. I have read this book.

این کتاب را خوانده ای. (در زمانی در گذشته)

2- بیان کاری یا عملی در گذشته ، که اثر آن به صورت (فیزیکی یا ذهنی) در زمان مال باقی مانده است.

12- I have memorized the dialog.

من ديالوك را مفظ كرده اهـ(الان هم مفظم هست.)

13- I have opened the door.

من در را باز کرده ای. (الان هم در باز است.)

 $\{$ for / since $\}$ برای بیان کار یا عملی که $\frac{1}{2}$ در کذشته شروع شده و تا زمان مال ادامه داشته است. $\{$ با عملی که در کذشته شروع شده و تا زمان مال ادامه داشته است.

14-We have lived in this house for 12 years.

برای دوازده سال است که در این خانه زندگی کرده ایم.

15-They have been at the hotel since last week.

از هفته گذشته در این هتل بوده اند.

for ✓
 با طول دوره ی زمانی بگار می رود.

(for 2 hours/5 days/a week/2 months/3 years/...)

از) با شروع و مبدا زمان به کار می رود. Since ✓

(since two o'clock/ this morning / last week / 1998 / ...)

***نگات اضافی در مورد { for /since

- . اگربعد از since بیاید، معمولا بصورت گذشته ساده و ممله قبل از آریمال کامل (ماضی نقلی) می باشد $\sqrt{16}$. I haven't played football since I left university.
- ود. ود. به مفهوم جمله گاهی اوقات بعد از $\frac{\text{since }}{\text{since }}$ جمله به صورت ماضی نقلی (مال کامل) هم بکار می رود. $\sqrt{17-1}$ اve known her since I have lived here.
 - بعد از $\frac{1}{2}$ از اون زمان به بعد) جمله به صورت ماضی نقلی (مال کامل) بکار می رود.
- 18 -I left school in 2012, and since then I've lived in London.
- به تفاوت دو ممله زیر دقت شود.

19- He <u>hasn't smoked</u> a cigarette <u>since last month</u>.

او از هفته قبل سیگار نکشیده است.

20- He hasn't smoked a cigarette for the last month.

او در طول یک هفته گذشته سیگار نکشیده است.

- در مثال 20، به مرف تعریف (the) قبل از (last month) دقت شود.

4- بیان کار یا عملی در گذشته نزدیک با قید های (just) به تازگی / اندکی قبل / lately افیرا / recently افیرا

- 21-They have just left home.
- 22- David has recently come back from Canada.
- 23- I have been very busy lately.

5- برای بیان کار یا عملی که قبل از مال (در زمان گذشته) مندین بار تکرار شده است. (امکان وقوع این عمل در آینده هم ومود دارد.)

- 24 He has written 3 books and he is working on another one.
- 25- I have seen this film several times.
- 26- My uncle is a writer. He has written many books.
 - در مثال زیر ، امکان وقوع عمل در آینده وجود ندارد ، در نتیجه از گذشته ساده استفاده شده است.
- 27- My uncle died last year. He wrote many books. -

-2 { so far, until now / up to now } = ربا قیدهای -1 (در مملات منفی و سوالی -1) -1 منوز= already -3

- 28-We have taken 3 tests so far.
- 29- We have had 20 Olympic Games up to now.
- 30- I haven't finished my homework yet.

- 31- Has she finished her homework yet?
- 32- I have already done my homework.
- 33- Have you ever been to Paris? No, I have never been there.
- 34- I have met a lot of people in /for the last few days.

the first, the second, ... و اعداد ترتیبی the best, the most (beautiful), the worst و اعداد ترتیبی 7- بعد از صفات عالی مانند

- 35-This is the best book that I have ever read.
- 36-This is the first time I've driven a car.
- 37-This is the most beautiful park that I've ever seen.
- 38-I have lost my passport. It is the second time this has happened.

8- با قیدهای زمان <u>today</u>, <u>this morning</u>, <u>this week / month</u>, <u>this evening</u>

اگر موقع گفتگو و بیان کردن آن کار یا عمل ، موعد آن زمان تمام نشده باشد .

39-I have written 3 letters this morning.

امروز صبع 3 نامه نوشته اه. (امروز صبع هنوز تماه نشده است)

9- مقایسه مال کامل با گذشته ساده در برغی ازمملات:

- تام کلیدش را کم کرده است. (کلیدش هنوز پیدا نشده است.) .40-Tom <u>has lost</u> his key
- تام کلیدش را کم کرد. (نمی دانیم کلید ش پیدا شده است یا نه.) 41-Tom <u>lost</u> his key.
- 42-My friend has been to Paris. (Now he is at home again.)
 - یعنی دوستی قبلا در پاریس بوده و الان دیگر آنما نست . (یعنی الان به فانه و یا وطنش برگشته است)
- 43-My friend has been in Paris for 2 years.
 - دوستم 2 سال است که در پاریس بوده است. (یعنی الان مم در پاریس است.)
- 44- My friend has gone to Paris. (He is in Paris now.)
 - دوستی به یاریس رفته است.(یعنی رفته به یارس و به فانه و یا وطنش برنگشته است.)
- 45- She has lived in Tehran for six years.

(او 6 سال در تهران زندگی کرده است. (الان هم در تهران زندگی می کند.)

46-She lived in Tehran for six years.

(او 6 سال در تهران زندگی کرد.(الان در تهران زندگی نمی کند.)

تــوشـــه ای بــرای مــوفقیت

گرامر درس دوم زبان انگلیسی پایه یازدهم بفش: See Also

افعال دو کلمه ای (عبارت های فعلی) در زبان انگلیسی :

افعال دو کلمه ای (عبارت های فعلی) به دو گروه تقسیم می شوند.

- 1- افعال دو كلمه اي لازه: (Intransitive Verbs) افعال دو كلمه اي متعدي: (Transitive Verbs) -1
 - 1. افعال دو کلمه ای لازه: (Intransitive Verbs): افعالی هستند، که مفعول نمی گیرند.
- 1-She grew up in Rasht.
- 2- His father passed away last year.

```
افعال دو کلمه ای (عبارت های فعلی) لازه در ممدوده ی کتاب های درسی و کنکور عبارتند از:
( فَارِهِ شَدِن / تَمُويلُ دَادِنِ آتَاقَ ) =check in ( يَذِيرِشُ كَرِفَتْنِ/ أَعَلَاهُ وَرُودَ كَرِدنِ ) =check in
get away= ( در رفتن/ دور شدن ) get up
                                            پیدار شدن wake up برغاستن از رغتغواب
                                         ( وقت گذراندن با / بیرون رفتن ) =hang out
( دور شدن/ در رفتن ) =go away
hurry up= ( عمِله کردن )
                                    ( فکر کردن به گذشته/ به عقب نگاه کردن ) =look back
                                    watch out = look out ( مراقب بودن)
turn round= ( ( גפָן (נְנֵיַ/ עֶלַבּׁשָּׁנִיַ )
                                          grow up= ( يزرگ شدن )
                                                                     ( فاموش شدن/ قطع شدن برق ) =go out
(منقرض شدن/ از بین رفتن ) =die out
درگذشتن ) =pass away
                                           ( شيوع پيدا کردن بيماري/ يفش شدن فبر ) = get around
                             ) /מנט
```

2.افعال دو کلمه ای متعدی : (<u>Transitive Verbs</u>): افعالی هستند، که مفعول می گیرند.

- 3-I am looking for my keys.
- 4- He turned off the lights.

افعال دو کلمه ای متعدی ، به دو گروه تقسیم می شوند.

ب) افعال مدا نشدنی (<u>Inseparable Verbs</u>)

الف) افعال مدا شدنی (Separable Verbs)

الف) افعال مِدا شدنی (<u>Separable Verbs</u>): افعال مِدا شدنی که در ممدوده ی کتاب های درسی و کنکور هستند عبارتند

: jl

```
(روشن کردن)= turn on
                          (خاموش کردن) =turn off
                                                         turn up= (زیاد کردن صدا)
(پوشیدن لباس) =put on ( کم کردن صدا )
                                                      (در آوردن لباس) =take off
تلفن کردن =call up
                          (برداشتن)=pick up
                                                     wake up=
                                                                  (بیدار کردن)
| ( נرک کردن کار یا عملی) give up (پیدا کردن لغت در کتاب یا دیکشنری) ( ترک کردن کار یا عملی)
                                                                                  give back= (یس دادن)
(دوباره زنگ زدن)=call back
                            (فاموش کردن آتش) =put out (قطع کردن/ بریدن درفتان) =cut down
fill in/out تحمیل کردن take away= (چیزی را از کسی گرفتن / از میان برداشتن)
کنار گذاشتن = put aside
                         وارد مایی نشدن / پرهیز کردن =keep off
```

نکته 1 : اگر <u>مفعول</u> این افعال اسم باشد ، مدا کردن / یا مدا نکردن مزء قیدی، به افتیار است. (به عبارت دیگر اسم می تواند قبل یا بعد مزء قیدی قرار گیرد.)

5-He <u>turned on the lights.</u> 6-He <u>turned the lights on.</u> 6-He <u>turned the lights on.</u>

me – you – him – her – it – us – you – them : بين فعل و مِزء قيدى قرار مى گيرد .) ضمائر مفعولى عبارتند از 7- Did Ali turn off the lights? Yes, he turned them off.

ب) افعال مدا نشدنی (<u>Inseparable Verbs</u>): افعال دو کلمه ای هستند که <u>مروف اضافه</u> اشان از بمش فعلی مدا <u>نمی</u> شوند.

She is looking at the picture. = She is looking at it.

افعال مدا نشدنی که در ممدوده ی کتاب های درسی و کنکور می باشند عبارتند از:

look at = (نگاه کردن) | look for= search for (مستمو کردن/ گشتن) | look after= (v) (مراقبت کردن از (v) المستمو کردن از (v) المستمو کردن از (v) المستمو کردن از (v) المستمو کردن در باره) | talk about (صمیت کردن در باره) | speak to / with (صمیت کردن در باره) | wait for= (فکر کردن درباره) | pay for= پردافتن پول برای

بهٔش رایتینگ درس دوم زبان انگلیسی پایه یازدهم <u>Gerund</u> و اسم مصدر :

هر کاه فعل ing دار به عنوان یک اسم بکار رود به آن Gerund (۱ سم مصدر) می گویند .

اسم مصدر = ing + فعل

تــوشـــه ای بـــرای مـــوفقــ

موارد کاربرد اسم مصدر (فعل ing دار) :

اسم مصدر به عنوان فاعل در اول ممله : _ _ 1

- 1. <u>Driving carelessly</u> is dangerous.
- 2. Playing ping-pong for 2 hours made him tired.
- 3. Swimming is enjoyable.

2 – اسم مصدر به عنوان مفعول مستقیم بعد از فعل های زیر:

imagine - quit - give up - finish - enjoy - practice - keep (on) - like - love

- 4- Can you imagine living on the moon?
- 5-He quit smoking last year.
- 6- My father gave up eating fast food.
- 7-She finished doing her homework.
- 8- I love reading storybooks. (to read)
- 9-Young children enjoy playing.
- 10- Let's practice speaking English.
- 11- I keep telling you, but you won't listen to me.
- 12- Although we tried to stop him, he kept on talking.

(فارم از بفش گرامر کتاب درسی ، اما مهم) Stop - mind - miss - avoid - risk - dislike

- 14- Come on. Stop being a couch potato.
- 15-Would you mind opening the door?
- 16- I miss getting up at six o'clock every morning.
- 17- The best way to lose weight is to avoid eating fatty foods.
- 18- Hurry up! I don't want to risk missing the last train.
- 19- My sister dislikes washing the dirty dishes.

- اسم مصدر به عنوان مفعول مرف اضافه که بعد از مروف اضافه می آید:

in, of, from, for, on, with, without, about, at, up, after, before, by, ...

- 20-I am tired of washing the dishes.
- 21- We were thinking about repairing the house.
- 22- He is interested in reading story books.
- 23- Mrs. Karimi told them to brush their teeth before going to bed.
- 24-I was surprised that she left without saying good-bye to anyone.
- 25- My sister is good at drawing flowers.

4- اسم مصدر به عنوان كامل كننده فاعل(بعد از فعل ربطى) :

- 26- a) Mina's favorite hobby is writing poems.
- 27- a) Her favorite activity is reading story books.
- 28- a) His hobby was traveling to other countries.
- b) Mina is writing poems now.
- b) She is reading story books now.
- b) He was travelling in Europe.

در مثال های بالا بفش اول (a) اسم مصدر هستند ، اما در بفش دوه (b) فعل هستند که بصورت مال استمراری یا

گذشته استمراری بکار رفته اند.

– اسم مصدر بعد ازفعل 🐧 go برای نشان دادن فعالیت های ورزشی و تفریمی :

go shopping / go biking / go fishing / go swimming / go skating / go jogging / go sailing / go running / go hiking / go hunting / go camping / go sightseeing / go surfing / go mountain climbing

- 29-My father goes jogging every morning.
- 30- We went hunting in the forest last week.

- اسه مصدر بعد از NO برای ممنوع بودن کاری یا عملی(بویژه در علایه هشدار دهنده):

No Smoking / No Fishing / No Parking / No Honking / بوق زدن ممنوع / No swimming / No hunting / No **Overtaking**

کرامر درس سوم زبان انگیسی پایه یازدهم **:**

عمله شرطی نوع اول

: Conditional Sentence Type (1)

ساختار جمله ی شرطی نوع اول

شرطی نوع اول : که به آن شرطی واقعی گفته می شود . در شرطی نوع اول امتمال وقوع عمل در زمان مال و آینده وجود دارد. هر عمله شرطی از دو قسمت تشکیل می شود .

1- قسمت شرط ، که با f(1) (اگر) شروع می شود . f(1) قسمت جواب و نتیجه ی شرط

1- a) If you study hard, you will pass the test.

مواب شرط قسمت شرط

اگر سفت درس بغوانی، در امتمان قبول غواهی شد.

– اگر نتیجه ی شرط در ابتدای جمله بیاید و سپس قسمت شرط ، نیازی به آوردن کاما «, » نیست .

b) You will pass the test if you study hard.

: ساختار شرطی نوع اول

مصدر بدون will + to <u>زمان مال ساده</u> مواب شرط قسمت شرط

نكته ى 1 : مخفف <u>will</u> بصورت(<u>اا'</u>) نوشته مى شود .

2-If I get a good job, I'll stay here.

 $\underline{\text{have to}}$, , $\underline{\text{must}}$, $\underline{\text{should}}$, $\underline{\text{can}}$, $\underline{\text{may}}$) $\underline{\text{will}}$ روز به جای $\underline{\text{will}}$ به $\underline{\text{might}}$ و $\underline{\text{be going to}}$ مه استفاده کرد.

- 3-If you are in a hurry, you can take a taxi.
- 4-If you don't go now, you may miss the train.
- 5-If it rains, we should stay at home.
- 6-If you want to succeed, you must study hard.
- 7-If you want to learn English, you have to practice hard.
- 8-If she passes all her exams, we are going to buy her a good present.
- 9- If you phone me after 12 o'clock, I might be in bed.

نکته ی اضافی 3 : در شرطی نوع اول ، در <u>مواب شرط</u> ، برای بیان دستورالعمل، توصیه ، نصیمت و هشدار ، می توان از مِمله ی امری نیز استفاده کرد.

- 10- If you want to help me, call the doctor.
- 11- Don't forget to lock the door if you go out.

نكته اضافي 4: موقع سؤالي كردن جملات شرطي ، جواب و نتيجه شرط به صورت سؤالي در مي آيد .

- 12-What will you do if you are cold?
- 13-Will he pass the test if he doesn't study hard?

گرامر درس سوم (3) زبان انگلیسی پایه یازدهم بخش: See Also

Present Participle & Past Participle

صفت فاعلى و صفت مفعولى:

الف: صفت مفعولى : یک صفت اثر پذیر است و با افزدون ed به فعل یا سافتن قسمت سوم فعل درست می شود.

معمولاً امساس یک انسان را ، نسبت به میزها یا به افراد را نشان می دهد .

1- I am interested in history.

2- Ali was confused because the problem was confusing.

3- We were amused at her story.

4- My sister was frightened by the snake.

نکته : در اکثر موارد، صفت مفعولی برای انسان بکار می رود.

یک صفت اثر گذار است و با افزدون ing به فعل درست می شود. معمولاً برای نشان دادن مس یا مالتی که <u>شفصی یا می</u>زی در مفاطب ایماد می کند ، بکار می رود .

5- The film was boring.

6- It was an amusing story.

7- Her job is exciting.

نکته : صفت فاعلی ، معمولاً برای اشاره به اسامی بی مان (غیر انسان) بکار می رود.

- (در زبان فارسی معمولاً با پسوند های آور / انگیز / کننده معنی می شوند.)

نکته اضافی: صفت فاعلی برای اشاره به انسان نیز می تواند بکار رود (اکثر کتاب های درسی ، به آن اشاره نمی شود) .

او شفص بسیار کسل کننده ای است. .B- He is a very boring person

مهم ترین صفات مفعولی و فاعلی در ممدوده ی کتاب های درسی و کنکور عبارتند از ؛

صفت مفعولی	مفت فاعلى
amazed (at/ by) نشگفت زده	amazing شگفت آور
amused (at/by) (شده)	amusing سرکره کننده
bored (with /of) (شده) حسل/ غسته	کسل کننده (فسته کننده)
tired (of) (شده) (شده	tiring مُسْتَه کننده
confused (about) (گيچ (شده)	confusing گیچ کننده
depressed (about) افسرده / غمگین	depressing افسرده کننده
excited (about/at/by) هيمان زده	exciting (مهييج) ميمان انگيز (مهييج
frightened (of) ترسیده / ومشت زده	frightening ترسناک – ترساننده
interested (in) علاقمند	interesting (مالب(علاقمند کننده

ويراستار: ذبيح اله صادقى visionch@	جزوه گرامر کامل زبان عمومی کنکور نظام جدید نویسنده: ساسان عزیزی نژاد
shocked (at/by) (شده) شوکه	مولناک (شوک آور) shocking
surprised (at/by) متعمب	تعمِب انگیز (تعمِب آور) surprising
satisfied (with) داضی / غوشمال	satisfying مشنود کننده/ راضی کننده

بمْش رایتینک درس سوم زبان انکلیسی پایه یازدهم

To + verb = infinitive

مصدر با to

: 1. مصدر با to به عنوان فاعل ممله:

- 1- To drive carelessly is dangerous. = Driving carelessly is dangerous.
- 2- To learn a language can be interesting. = learning a language can be interesting.

: 1. مصدر با to به عنوان مفعول جمله بعد از افعال زير:

```
( انتمَاب کردن ) 1-choose
                              ( تصمیم گرفتن )2-decide
                                                               ( غواستنن ) 3-want
4 -promise( قول دادن )
                             ( منتظر ماندن ) 5- wait
                                                           ( موافق بودن ) 6-agree
7- learn ( ناد گرفتن )
                           8-attempt ( تلاش کردن )
                                                         9-*like ( دوست داشتن )
                                11-*remember (יָה טֵב וֹפְנְבִי ) א בי (יָה טַב וֹפְנָבי ) בריש (יַה טַב וֹפְנָבי )
( فراموش کردن ) 10-*forget (
                                                                                       تلاش
                                           (افعال کتاب دانش آموز)
( كَفتن) 12 tell
                        ( نصيمت كردن ) 14-*advise ( غواستنن/ سوال كردن )
                              ( شروع کردن ) 17-*begin ( برنامه ریزی کردن ) 16-plan
( וميدوار بودن ) 15-hope
                                             (افعال کتاب کار )
```

نكته 1: در برغى از افعال ، بلافاصله بعد از آنها فعل دوم به شكل مصدر با to مى آيند .

- 3-We decided to change our plans.
- 4-She wanted to buy an Iranian handicraft.

نکته 2 اما یک تعدادی از افعال هم وجود دارند که بعد از آنها ابتدا بعد از آنها مفعول و سپس فعل دوم به شکل مصدر با to می آیند. (برفی از فعل ها با هر دو سافتار بگار می روند.)

- 5- I want to go.
- 6- I want you to go.

به مثال های زیر، برای هر یک از افعال بالا ، دقت کنید.

- 7-l <u>chose to learn</u> German rather than French. [rather than = إيه جاى
- 8-They chose Donald to be their leader.
- 9-Tina has decided to go to Rome for her holidays.
- 10-I want to study physics now.
- 11-I don't want Linda to hear about this.
- 12- He promised to give back the book.

- 13- Are you waiting to use the phone?
- 14- I waited for Reza to say something.
- 15-The teacher agreed to finish the class 5 minutes early.
- 16- I learned to drive when I was 18.
- 17- In this lesson, I will attempt to explain infinitives.

نکته : برای منفی کردن مصدر ، قبل از مصدر با not)، to) می آوریه.

- 18- I decided not to go.
- 19- His parents advised him not to eat fast food.

3. مصدر با to براى نشان دادن قصد و هدف از انجام كار يا عملى:

- 20- He went there to see his friend.
- 21-To learn English, you should practice a lot.

4. <u>مصدر با to بعد از برفی از صفات:</u> بعد از صفاتی که نشانگر اهمیت ، تکرار عمل، امساسات شفصی ، سفتی و آسانی کار و غیره ... باشند ، فعل بصورت <u>مصدر با to</u> بکار می رود .

لیست صفاتی که در ممدوده کتاب درسی و کنکور می باشند و بعد از آنها، مصدر با to بکار می رود.

happy (مطمئن) sad (مطمئن) certain (ماهنه) دوهال) certain (مطمئن) shocked (موهنهال) shocked (مقاطه) sorry (مقاطه) amazed (شاد /غوشمال) ashamed (متعجب) fortunate (موهنهان) lucky (موهنهان) surprised (مقعب) ashamed (ممكن) hard=difficult (ممكن) possible (ممكن) important (مهم) necessary (موهنه)

- 22- We are happy to be here.
- 23- Ali was really sad to leave us.
- 24-The heavy rain *made it hard for us* to drive easily.
- 25- Overactive children find it difficult to concentrate.
- 26-I was careful not to burn myself.
- 27- Prices are almost certain to increase.
- 28- Members will be glad to hear him speak again.

In the Name of Allah

GRAMMAR AND WRITING OF VISION (3)

الرالی الیالی ت دنگات گرامری و نوشتاری ت زبان انگلیسی پایه ی دوازدهم

In the Name of Allah

گرامر ورایتینک درس اول زبان انگلیسی پایه دوازدهم

تبديل مملات معلوم به ممهول:

ممله معلوم : ممله ای که فاعل آن مشمص باشد و در ابتدای ممله بیاید .

I clean my room every day.

مفعول فعل فاعل

جمله مجهول : جمله ای است که فاعل آن در اول جمله نیامده و مفعول به جای فاعل در ابتدای جمله قرار می گیرد.

My room is cleaned every day.

مفعول

مرامل تبديل جمله ي معلوم به مجهول:

1- فاعل ممله را مذف مى كنيم.

2.مفعول را به اول جمله مي آ وريم.

3- شكل صميع <u>فعل to be</u> را با توجه به <u>مفعول و زمان جمله</u> مى نويسيم . (طبق الكو هايى كه در زير ارائه فواهد شد.)

4-قسمت سوم یا اسم مفعول فعل (past participle) را می نویسیم. اسم مفعول ا فعال با قاعده با افزودن d/ed

5-در صورت تمایل می توانیم عبارت (فاعل + by) را بعد از اسم مفعول بیاوریم .

(اگر فاعل ممله، شی یا ابزار باشد، از مرف اضافه (with) به مای (by) استفاده می شود)

Snow covered the yard.

(ممله معلوم):

The yard was covered with snow.

(ممله ممهول):

میاط با برف پوشیده شد.

***طرز سافت ممهول زمان هاي مقتلف: له اي سراي مصوفقيت

در الكو هاى زير pp نشانكر اسم مفعول فعل (past participle) است.

زمان مال ساده (simple present tense) : <u>am, is, are</u> +pp

She types a letter every day. (مِمله معلوه)

اوهر روز نامه ای تایپ می کند.

A letter is typed every day. (مِمله ممِهول)

نامه ای هر روز تایپ می شود.

زمان گذشته ساده (simple past tense) : <u>was, were</u> + pp

She typed a letter yesterday. :(ممله معلوم):

اوديروز نامه ای تايپ كرد.

A letter was typed yesterday .: (جمله مجهول)

نامه ای دیروز تایپ شد.

(مان عال כامل (ماضى نقلى) (present perfect tense) : have , has + <u>been</u> + pp

She has typed a letter recently. :(ممله معلوم)

او نامه ای افیرا تایپ کرده است.

A letter has been typed recently .: (جمله مجهول)

نامه ای امیرا تایپ شده است.

توجه : دانش آموزان عزیز، در کتاب درسی پایه دوازدهم درس اول ، فقط به مجهول کردن فعل های <u>زمان مال ساده،</u> <u>گذشته ساده و ماضی نقلی (مال کامل)</u> که در بالا اومده، پردافته شده است، اما بهتر است برای درک بهتر متن ها و کلوز تست ها، مجهول فعل های زمان های دیگر را هم پاد بگیرید.

زمان آينده ساده (future simple tense) : will/be going to + <u>be</u> + pp

She will type a letter tomorrow. :(مِمله معلوم)

A letter will be typed tomorrow .: (جمله مجهول)

نامه ای فردا تایپ غواهد شد

She is going to type a letter tomorrow. :(جمله معلوم)

A letter is going to be typed tomorrow .: (جمله مجهول)

نامه ای قرار است فردا تایپ شود.

ے رحا ط

زمان عال استمراري (present continuous tense) am , is , are + being +pp

She is typing a letter now. :(مِمله معلوم)

A letter is being typed now .: (مِمله ممِهول)

نامه ای الان دارد تایپ می شود.

زمان گذشته ی استمراری (p ast continuous t ense) was , were + being + pp

She was typing a letter yesterday. :(مِمله معلوه)

او دیروز داشت نامه ای تایپ می کرد.

A letter was being typed yesterday .: (مِمله ممهول)

نامه ای دیروز داشت تایپ می شد.

نكته اضافى 1: موقع سوالي كردن جملات مجهول ، جاي اولين فعل كمكي با فاعل عوض مي شود .

Their names <u>must be written</u> on this page today.

Must their names be written on this page today? [جمله مجهول – سوالي]

The monkeys have been studied in this lab for many years.

Where have the monkeys been studied for many years? [جمله مجهول – سوالي]

نكته اضافي 2: موقع منفي كردن جملات مجهول ، به أولين فعل كمكي † not/n' اضافه مي شود.

The window was broken yesterday.

The window <u>was not broken</u> yesterday. [إجمله مجهول – منفى]

The letter will be typed tomorrow.

The letter won't be typed tomorrow. [إجمله مجهول – منفى]

نکته اضافی 3 : اگر مِمله دو مفعول مستقیم و غیر مستقیم داشته باشد موقع ممِهول کردن ، معمولاً بهتر است مفعول مستقیم (مفعول غیرشفصی) به ابتدای مِمله بیاید .

I gave <u>Ali</u> <u>a book</u> yesterday. or

I gave a book to Ali yesterday.

The book was given to Ali yesterday.

کتابی دیروز به علی داده شد.(این جمله متداول تر است)

Ali was given the book yesterday.

به علی دیروز کتابی داده شد.

نكته اضافي 4 : معمولاً در مملات مجهول، قيد مالت قبل از pp بكار مي رود .

Betty ate the dinner happily last night. : (مِمله معلوم)

له ای سرای محوفقیت

The dinner was happily eaten by Betty last night. : (בְאַנָּה מִאָּבֶּה (בְאַנַה)

نكته اضافى 5: براى مجهول كردن اسم مصدر از سافتار زير استفاده مى كنيم.

being + pp

I <u>remember</u> my father <u>taking</u> me to the zoo. : (جمله معلوم):

I remember being taken to the zoo by my father. :(بمله مجهول):

نكته اضافى 6: براى مجهول كردن مصدر از سافتار زير استفاده مى كنيم.

to be + pp

My father wanted my brother to post the letter yesterday.

My father wanted the letter to be posted by my brother yesterday.

نکته اضافی 7: طرز مجهول کردن جمله واره های فبری (noun clause/that clause): جملاتی که با فعل های های ($\frac{1}{2}$ think $\frac{1}{2}$ \frac

- 1- (\underline{It}) را به اول جمله اضافه می کنیم سپس فعل اصلی جمله ی پایه را مجهول می کنیم.
- 1. People say that he is 95 years old.

 It is said that he is 95 years old.
- 2. We expect that the weather will be good tomorrow.

It is expected that the weather will be good tomorrow.

- 2- فاعل (that clause) را به اول ممله می آوریم، سپس فعل اصلی ممله ی پایه را ممهول می کنیم، در مرمله ی آفر شکل مصدر فعل ممله دوم را می نویسیم. فعل that clause محمولاً اگر زمان مال ساده و یا آینده ساده باشد، به شکل مصدر یا (to) بکار می رود.
 - 1. People say that he is 95 years old. He is said to be 95 years.
 - 2. We expect that the weather will be good tomorrow. The weather is expected to be good tomorrow.



Tag Questions

سوالات کوتاه آفر ممله فبری یا ده سوالی:

- 1-Reza is a student, isn't he? [محّه نه؟/ اینطور نیست؟]
- 2-They can't speak English, can they?

نکاتی که باید در دُه سؤالی رعایت شود :

نكته 1: اكرممله غبري مثبت باشد ، دُم سؤالي منفي و اكرممله ي غبري منفي باشد، دم سؤالهايد به صورت مثبت باشد .



نکته 2: در ده سؤالی باید از ضمایر فاعلی به مای اسم استفاده شود.

3- Mina was at home yesterday, wasn't she?

نکته 3 : در اکثر موارد در ده سؤالی های منفی از شکل مففف (کوتاه شده) استفاده می شود.

4-You will leave home tomorrow, won't you?

ده سؤالی های منفی ، در انگلیسی رسمی از شکل کامل فعل کمکی منفی هم بصورت زیر استفاده می شود.

- 5-They promised to give the money back in two weeks, did they not?
- 6-I am a teacher, am I not? (aren't I به جای)

نکته 🖈 ده سؤالی، اگر ممله ی مبری فعل کمکی داشته باشد از مودشان استفاده می شود . اگر در ممله ی مبری فعل کمکی نباشد در زمان مال ساده از فعل های کمکی خصی do / does و در گذشته ی ساده از did استفاده می کنیم.

- 7-Ali lives in Rasht, doesn't he?
- 8-The students play football, don't they?
- 9- John went to the party last night, didn't he?
- 10- We played football yesterday, didn't we?

نکته 5:1 اگر جمله غبری ، با $\frac{1}{2}$ شروع شود، در ده سوالی به جای ضمایر فاعلی از غود $\frac{1}{2}$ استفاده می شود. 11-There is a lot of traffic, isn't there?

نکته 6اگر جمله ی فبری ، با ضمایر اشاره مفرد $\frac{that}{this}$ و ضمایر اشاره جمع $\frac{those}{those}$ شروع شود. در دم سوالی به جای ضمایر اشاره مفرد از $\frac{they}{this}$ و ضمایر اشاره جمع از $\frac{they}{those}$ استفاده می شود.

- 12-This is a dictionary, isn't it?
- 13-Those are not tigers, are they?

نکته $7: اگر در مِمله ی فبری ، قید های منفی <math>\{ \underline{\mathsf{hardly}} \ , \ \underline{\mathsf{rarely}}, \ \underline{\mathsf{never}} ... \}$ و صفت های کمی منفی no $/ \ \mathsf{few} / \ \mathsf{little} \}$ و صفت های کمی منفی no $/ \ \mathsf{few} / \ \mathsf{little} \}$ استفاده می شود .

- 14-He never goes to the library, does he?
- 15-The old man can hardly walk, can he?
- 16-Mina has few friends, does she?
- 17-We have little time to go to the stadium, do we?
- 18-Nothing bad happened, did it?

 $nobody / no one / somebody / someone / everyone / اگر فاعل جمله ی فبری <math>\{ they \}$ ستفاده می شود ، اما اگر فاعل جمله ی فبری $\{ they \}$ ستفاده می شود ، اما اگر فاعل جمله ی فبری $\{ everybody \}$ باشد ، در دم سوالی از فیمیر $\{ they \}$ استفاده می شود.

- 19- Everybody knows Dr. Brown, don't they?
- 20- Somebody has come, haven't they?
- 21 Nobody phoned, did they?
- 22- Nothing is in the kitchen, is it?

نکته 9 (اضافی : مملاتی (ممله واره های اسمی) که با \mathbf{I} وفعل های های $(\underline{\mathsf{hink}} \ / \ \underline{\mathsf{believe}} \ / \ \underline{\mathsf{hink}})$ شروع می شوند، معمولا دم سوالی ها، بر اساس ممله دوم ، ساخته می شود.

- 23-I think that she is a good English teacher, isn't she?
 - اگر مِمله اول منفی باشد (<u>I don't think</u>) ، دم سوالی مِمله مثبت خواهد بود.
- 24- I don't think he speaks French well, does he?
- 25- I don't think it will rain, will it?
 - اما اگر فاعل این فعل ها ، (I) نباشد ، معمولا ده سوالی ها، بر اساس <u>ممله اول</u> ، سافته می شود. (هرچند برفی از گرامر نویسان اعتقاد دارند در این مملات هم با توجه مفهوم جمله ، دم سوالی را می توان ، براساس جمله دوم هم سافت.)
- 26-He thinks we should come back soon, doesn't he?
- 27- You don't know where the boss is, do you?

نکته 10 اضافی:اگر ممله ی مبری با $\underline{am\ I\ not}$ شروع شود، دم سؤالی آن به صورت $\underline{am\ I\ not}$ می باشد. 28 - $\underline{I\ am}$ a teacher, $\underline{aren't\ I\ (am\ I\ not)}$?

نکته 11 (اضافی – زبان تفصصی) ؛ برای مِملات امری مثبت ، در ده سؤالی معمولاً از $will\ you\ |will\ you\ |won'+\ you\ / can' you\ / can'+\ you\ / could\ you\) نیز استفاده می شود. استفاده می شود.$

- 29 Come in, won't you?
- 30- Close the door, will you?
- 31-Please clean your desk, would you?
- 32- Listen to the teacher, can't you?
 - · برای مملات امری منفی ، در ده سؤالی، فقط از <u>will you</u> استفاده می شود.
- 33-Don't come late, will you?
- 34-Never try to frighten me, will you?

نکته 12– (اضافی – زبان تفصصی) : برای مملات شرطیدی سوالی بر اساس مواب شرط رست می شود و نه بر اساس قسمت شرط ($if\ clause$) .

35- If you study hard, you will pass the exam, won't you?

نکته 13- (ا ضافی -زبان تفصصی) : اگر ممله ی بلند با $\frac{|et's|}{|et's|}$ شود ، دم سؤالی آن به صورت $\frac{|et's|}{|et|}$ فواهد بود.

- 36 Let's watch TV, shall we?
- 37- Let's not discuss this now, shall we?
- اما اگر ممله ی بلند با <u>let us</u> شروع شود ، ده سؤالی آن به صورت مملات امری ، <u>will you</u> فواهد بود. 38-<u>Let us g</u>o out for a walk, <u>will you</u>?

نكته 14 – (بان تفصصی): در ممله های مرکب، ده سوالی معمولاً بر اساس ممله ی دوم ساخته می شود. 39-We took part in the competition, but we didn't win any prizes, did we?

40- He was sick, so he couldn't attend the party, could he?

- 41- Reza <u>had finished</u> his homework <u>when</u> his parents <u>arrived</u>, <u>hadn't he?</u>

 <u>When</u> Reza's parents <u>arrived</u>, he <u>had finished</u> his homework, <u>hadn't he?</u>
- 42-The man who lives next door is a police officer, isn't he?
 - برای درک بیشتر ده سوالی ها، به مثال های زیر توجه کنید.
- 45-He's playing football, isn't he?
- 46-She's finished her homework, hasn't she?

- 47-She has a black bag, doesn't she?
- 48- She has to wear uniform at school, doesn't she?
- 49-He'd written the letter before, hadn't she?
- 50-They'd rather go by bus, wouldn't they?
- 51-They'd break the window if they played football in the yard, wouldn't they?
- 52-You had better leave now, hadn't you?
- 53-They had a test yesterday, didn't they?
- 54- They had to finish the book yesterday, didn't they?
- (فعل هایی که زمان مال و گذشته آنها به یک شکل هستند) ?55- a) My uncle put on his coat, didn't he
 - b) My uncle puts on his coat, doesn't he?

بخش رایتینگ درس اول پایه دوازدهم

مملات مرکب با استفاده از کلمات ربط (■ and / but / or / so):

مملات مركب (compound sentences): مملاتي هستند كه معمولا از تركيب دو يا مند ممله ي ساده با استفاده از کلمات ربط تشکیل می شود. (به عبارت دیگر ، در مملات مرکب ، بیش از یک فاعل و فعل اصلی ومود دارد.) ، اما ممله ی ساده (simple sentence) جمله ای است که تنها یک فاعل و یک فعل دارد.

عملات مرکب با and:

اینکلمه ی ربط به معنی (و) می باشد که اطلاعات جدیدی را به جمله اول اضافه می کند.

نكته 1: در مملات مركب ، موقعي كه دو ممله ي ساده را بهم وصل مي كنيم قبل از اين كلمات ربط ، معمولا از كاما(ويركول) (٫) استفاده مي كنيم.

- 1- My brother did his homework. He watched TV. (and) My brother did his homework, and he watched TV.
- 2- Mina got up early in the morning. She made some tea for breakfast. (and) Mina got up early in the morning, and she made some tea for breakfast.

نكته اضافي 2 : در مملات مركب ، اگر فاعل هر دو ممله يكي باشد، فاعل ممله دوم و كاما (ويركول) را مي توان مذف کرد.

- 3- My brother stayed at home yesterday and watched TV.
- 4- Mina got up early in the morning and made some tea for breakfast.

[فاعل جمله های دوم و کاما در جمله های بالا مذف شده است.]

مملات مرکب با but:

این کلمه ی ربط به معنی (اما) می باشد، برای نشان دادن تضاد و تفاوت بکار می رود.

- 5- Tom saw his physics teacher in the street. He didn't speak to him. (but) Tom saw his physics teacher in the street, but he didn't speak to him.
- 6- The book was boring. Zahra had to read the book. (but) The book was boring, but Zahra had to read it.

عملات مرکب با or:

این کلمه ی ربط به معنی (یا) می باشد، در این نوع از جملات مرکب، ما دو انتخاب یا دو گزینه در پیش رو داریم.

- 7- Mina should clean the rooms, or she should wash the dishes.
- 8- Ali and Reza can watch TV, or they can listen to music.
- نکته اضافی : مرف ربط (\underline{or}) یک مفهوم دیگر هم، به معنی (وگرنه) دارد که در مملات شرطی کاربرد دارد. در این کاربرد ، مرف ربط (\underline{or}) هم معنی (\underline{or}) و یا (\underline{or}) و یا $(\underline{otherwise})$ و کرنه) می باشد.
- 9- You have to leave now, or you will miss the train.
- 10-We need to be there by 8, or (else) we will find it hard to park the car.

مملات مرکب یا so:

این کلمه ی ربط به معنی (بنابراین) می باشد، برای نشان دادن نتیمه گیری بکار می رود. (به عبارت دیگر نشان می دهد که ممله ی دوم نتیمه ی ممله ی اول می باشد.)

- 11. It was very hot, so she opened the windows.
- 12.I was feeling hungry, so I made myself a sandwich.

نکته اضافی : برای سافتن مملات مرکب از کلمات ربط (for = چون) ، (et = با وجود این ، اما) هم استفاده می شود.

- 13. He felt very cold, for it was snowing.
- 14. Cats are good pets, for they are clean and are not noisy.
- 15. I can't speak English, nor can I read it.
- 16. She does not drink milk, nor does she eat butter.
- 17. I have known him for a long time, yet I have never understood him.
- 18. John plays tennis very well, <u>yet</u> his favorite sport is soccer.



گرامر درس دوه زبان انگلیسی پایه دوازدهم

جمله واره های وصفی (Relative Clauses) و ضمایر موصولی: Relative Pronouns بمله واره های وصفی (Relative Clauses) به مای وصفی (Relative Clauses) به مای وصفی (که)

- از آن مایی که این کلمات به <u>مای اسم</u> می نشینند ، <u>ضمیر</u> نامیده می شوند و به این دلیل که <u>دو ممله</u> پایه و پیرو را به هم <u>ربط</u> می دهند <u>موصول (وصل دهنده)</u> نامیده می شوند . ممله ای که بعد از ضمیر موصولی می آید نقش وصفی دارد (یعنی اسم قبل از فود را توصیف می کند .)

Who : نقش فاعلی دارد و برای انسان کاربرد دارد.

فعل + who + انسان

- 1-The man is a police officer. He lives next door.
 - a) The man who lives next door is a police officer.
 فعل انسان
 - b) The man who is a police officer lives next door.

***توجه: جمله ۵ متداول تر است.

نکته 1 : در مالت فاعلی، موقعی که دو ممله را با ضمایر موصولی بهه ربط می دهیه باید فاعل ممله دوه را مذف کنیه. در مثال بالا he مذف می شود.

نکته 2 : در مثال های بالا به مای ضمیر موصولی who میشه از that استفاده کرد.

3- The man that lives next door is a police officer.

Whom : نقش مفعولی دارد و برای انسان کاربرد دارد.

ضمیر/ اسم + whom (who) + انسان

4-This is <u>a man</u>. I met <u>him</u> last night.

This is the man whom (who) \underline{I} met last night.

ضمیر انسان

نکته 1: در مالت مفعولی، موقعی که دو جمله را با ضمایر موصولی بهی ربط می دهیی باید <u>مفعول جمله دوی را مذف کنیی.</u> (در مثال بالا مفعول <u>him</u> ، در جمله دوی مذف شده است .)

نکته 2 : امروزه در زبان انگلیسی آمریکایی، و همچنین در زبان مماوره و غیر رسمی به مای who از who استفاده می شود .

5-This is the man who I met last night.

(اما مواسمان باشه که در مالت فاعلی به مای who نمیشه از whom استفاده کرد.)

نكته 3 : به ماى ضمير موصولي <u>whom</u> (همانند <u>who</u>) ميشه از <u>that</u> استفاده كرد.

6-This is the man that I met last night.

نکته (اضافی) : اگر ضمیر موصولی نقش مفعولی داشته باشد (یعنی بعد از ضمائر موصولی، اسی یا ضمیر فاعلی داشته باشیم) می توانیم ضمیر موصولی را در جمله مذف کنیم.

7-This is the man I met last night.

Which ؛ نقش فاعلی و مفعولی دارد و برای غیر انسان (اشیاء ، میوانات و ...) بکار می رود.

فعل + which + غیر انسان : (فاعلی) (فاعلی) (مفعولی) (مفعولی) (مفعولی)

- 8- His room has a window. It opens into the street.
 - : His room has <u>a window which opens</u> into the street. (فاعلى)
- 9- The cat is the biggest of all. It is sleeping on the wall.
 - : The cat which is sleeping on the wall is the biggest of all. (فاعلی)
- 10- The bed was not very comfortable. I slept in the bed last night.
 - : The bed which $\underline{\mathbf{I}}$ slept in last night was not very comfortable. (مفعولی)

نکته : به جای ضمیر موصولی which (همانند whom و whom) میشه از that استفاده کرد.

- 11- His room has a window that opens into the street.
- 12-The cat that is sleeping on the wall is the biggest of all.
- 13-The bed that I slept in last night was not very comfortable.

نکته های اضافی و زبان تفصصی در مورد جمله واره های وصفی و ضمایر موصولی:

نکته ی اضافی 1 (زبان تفصصی) : اگر قبل از "whom" ، مرف اضافه اومده باشه، نمی توان به مای who از who و یا that

- 14- a) The man whom I was talking with is doctor.
 - b) The man who I was talking with is a doctor.
 - c) The man that I was talking with is a doctor.
 - d) The man I was talking with is a doctor.
 - e) The man with whom I was talking is a doctor.
 - *f) The man with who \underline{I} was talking is a doctor. (incorrect)
 - *g) The man with that \underline{I} was talking is a doctor. (incorrect)

نكته ى اضافى 2 : اكر قبل از "which" ، مرف اضافه اومده باشه، نمى توان به ماى which از that استفاده كرد.

- 15- a) The music which they listened to was very good.
 - b) The music that they listened to was very good.
 - c) The music to which they listened was very good.
 - *d) The music to that they listened was very good. (incorrect)

نکته اضافی 3 (زبان تفصصی) : زمانی که <u>ممله واره های وصفی</u> ، <u>اطلاعات اضافی (غیر ضروری)</u> در مورد یک اسم می دهد ، اکثر گرامر نویسان اعتقاد دارند که در این سافتار ، به مای who و which نمیشه از that استفاده کرد. این نوع ممله واره های وصفی در دو ما می آیند.

نکته اضافی 5 : برغی از ضمایر موصولی دیگر که فارج از ممدوده ی کتاب درسی هستند، عبارتند از :

where + اسم مكان

where =[<u>at/in/on</u> which]

- 16-a) This is the store where my friend works.
 - b) This is the store in which my friend works.
 - b)This is the store which my friend works in.
 - c)This is the store that my friend works in.
 - d)This is the store my friend works in.
- 17- a) This is the restaurant where the food is excellent.
 - b) This is the restaurant at which the food is excellent.
 - c) This is the restaurant which the food is excellent at.
 - d) This is the restaurant that the food is excellent at.
 - e) This is the restaurant the food is excellent at.

when +اسم زما<u>ن</u>

when = [at/in/on which]

- 18- a) The year when he was born is not known.
 - b) The year in which he was born is not known.
 - c) The year that he was born in is not known.
 - d) The year he was born in is not known.
- 19- a) I remember the day when I met him for the first time.
 - b) I remember the day on which I met him for the first time.
 - c) I remember the day that I met him on for the first time.
 - d) I remember the day I met him on for the first time.

ضلح هسا + why

why = for which

- 20- a) The reason why he left the country is a secret.
 - b) The reason for which he left the country is a secret.
 - c) The reason which he left the country for is a secret.
 - d) The reason that he left the country for is a secret.
 - e) The reason he left the country for is a secret.

: whose

21- a) Mr. Ahmadi is an English teacher. His wife is from England. Mr. Ahmadi whose wife is from England is an English teacher.

Conditional Sentence Type2

ممله ی شرطی نوع دوم

- جمله ی شرطی نوع دوه غیر واقعی (فرضی) است .
- معمولاً در شرطی نوع دوم ،امتمال وقوع عمل در زمان مال و آینده امکان پذیر نیست .

: ساختار شرطی نوع دوم

1- If I had a lot of money, I would help poor people.

اگر من پول زیادی داشته، به مرده فقیر کمک می کرده.

نکته: اگر(if clause) در اول ممله بیاد، به کاما نیاز داریه.

2-I would help poor people if I had a lot of money.

نکته: اگر(if clause) در بفش دوه مِمله بیاد، به کاما نیاز نداریه .

نحته ی 1 : مخفف <u>would</u> بصورت(<u>'d</u>) نوشته می شود .

3- If John studied hard, he'd pass the test.

اگر مان سفت درس می فوند، در امتمان قبول می شد.

نكته ى 2 : شرطى نوع دوم بر اساس جمله اى ساخته مى شود كه به زمان مال اشاره دارد . (كذشته غير واقعى)

4- If Mina studied hard, he would pass the test.

اگر مینا سفت درس می غواند (یعنی سفت درس نمی غواند) در امتمان قبول می شد(یعنی قبول نمی شود.).

نکته ی 3 : در شرطی نوع دوم به مای would می توان از might و could هم استفاده کرد.

- 5- If they arrived this afternoon, we might see them again.
- 6- If I had some money, I could lend you a few dollars.

نکته ی+: در شرطی نوع دوم بعد از + ، بهتر است برای همه ی فاعل ها و ضمایر (متی اول یا سوم شفص مفرد) به مای + استفاده شود . کاربرد + کاربرد کارب

7- If I were rich, I would help you.

اگر ٹروتمند بودھ، به تو کمک می کردھ.

نكته5: موقع سؤالي كردن جملات شرطي ، جواب و نتيجه شرط به صورت سؤالي در مي آيد .

- 8- Would Reza pass the test if he studied hard?
- 9- What would you do if you lost your job?

اگر شغلت را از دست میدادی، چه کار می کردی؟



کرامر درس سوم زبان انگلیسی پایه دوازدهم :

مجهول افعال كمكى:

<u>be</u> + pp + فعل كمكى مودال

افعال حمكي مودال و شبه مودال (وجهي) (modals) عبارتند از :

may, might, can, could, will, would, shall, should, ought to, must, have to, has to, had to

She must type a letter every day. : (جمله معلم)

او باید هرروز نامه ای تایپ کند.

A letter must be typed every day .: (مِمله ممهول):

نامه ای هر روز باید تایپ شود.

She had to type a letter yesterday. :(جمله معلوم)

A letter had to be typed yesterday .: (جمله مجهول)

نامه ای باید دیروز تایپ می شد.

کذشته ی کامل (ماضی بعید)

<u>Past participle</u> یا همان اسم مفعول ۱ فعال با قاعده ، با افزودن { <u>d/ed</u> } سافته می شود و افعال بی قاعده را باید مفظ کرد .

My mother had cleaned the house, before the guests arrived.

[در این ممله، عمل تمیز کردن فانه ، قبل از رسیدن مهمان ها بوده است .]

نکته 1: برای منفی کردن گذشته کامل (ماضی بعید) به فعل کمکی $\frac{\text{had}}{\text{had}}$) افزوده می شود. They had not (hadn't) washed the dishes.

نکته 2 : برای سؤالی کردن گذشته کامل (ماضی بعید) ، مای فعل کمکی $\frac{\text{had}}{\text{had}}$) با فاعل عوض می شود. Had they washed the dishes?

نکته 3 : در کذشته کامل (ماضی بعید) ، مففف (شکل کوتاه شده) " had " بصورت ($\frac{(d)}{d}$ می باشد. They'd washed the dishes.

موارد کاربرد گذشته کامل:

1- گذشته ی کامل (ماضی بعید) : هرگاه صمبت از دو عمل باشد که در زمان گذشته انجاه شده باشد، عملی که <u>اول یا</u> زودتر انجاه شده را به صورت <u>گذشته ی کامل</u> (had + pp) و عملی که <u>دوه یا دیرتر</u> انجاه شده را به صورت <u>گذشته ی ملل که ساده می آوری</u>ه .

كذشته ساده (had + pp) when / before / by the time ماضى بعيد

- a) Sarah had done her homework before she went out.
- b) Before Sarah went out, she had done her homework.
- a) I had done my homework when my parents came back.
- b) When my parents came back, I had done my homework.
- a) The secretary had typed all the letters by the time the boss came back.
- b) By the time the boss came back, the secretary had typed all the letters.

ماضی بعید <u>after</u> / <u>as soon as</u> ماضی بعید (had + pp)

- a) They <u>left</u> the office, <u>after</u> the boss <u>had gone</u>.
- b) After the boss had gone, they left the office.
- a) As soon as we had finished our homework, we went out for a walk.
 - b) We went out for a walk as soon as we had finished our homework.

2- برای بیان علت و دلیل عملی در زمان گذشته با الگو های زیر :

Mina was tired, because she had worked a lot.

As John had got good marks, he was very happy.

Since I had lost my wallet, I didn't have any money.

نكته اضافي 1 : شكل مجهول كذشته كامل (ماضي بعيد) : had + been + pp

- a) My mother <u>had prepared</u> dinner <u>before</u> the guests <u>arrived</u>.
- b) Dinner <u>had been prepared</u> by my mother <u>before</u> the guests <u>arrived</u>.

نکته اضافی 2: برای درست کردن ده سوالی ($\frac{tag\ question}{ton}$) گذشته کامل (ماضی بعید) از فعل کمکی ($\frac{tag\ question}{ton}$) استفاده می کنیم.

They <u>had seen</u> the film before, <u>hadn't they?</u>
They'd broken the window, <u>hadn't they?</u>
موفق و ييروز باشيد.

لطفا اشكالات امتمالي مزوه را به شماره زير در واتساب يا تلگراه اطلاع دهيد.

0921-725-7653